| در صفحه ۴ بخوانید

نهادهای بین‌المللی برای احقاق حق کشورهای مستقل تشکیل نشده‌اند

عصر قانون

روزنامه اجتماعی، اقتصادی چهارشنبه

۵ دی ۱۴۰۳ • ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ • 25 December 2024

۸ صفحه • پنج‌هزار تومان • سال سوم • شماره چهارصدونودوپنج

www.asrghanoonir

برق از سر تولید پرید

اتاق بازرگانی ایران: روزی ۸ هزار میلیارد تومان ضرر خاموشی است

برآورد اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد روزانه در نتیجه قطع برق کارخانه‌ها، چیزی نزدیک به ۸هزار میلیارد تومان زیان به بخش تولید کشور وارد می‌شود. صنعتگران هشدار داده‌اند با تداوم وضع موجود، سونامی تعطیلی و افزایش بیکاری در راه است.

بررسی‌های بیشتر آمار اعلامی از سوی اعضای اتاق بازرگانی ایران نشان می‌دهد شدت تکانه وارد بر کل اقتصاد ناشی از قطعی برق بخش صنعت ۲۳برابر بیشتر و بزرگ‌تر از تکانه وارده بر کل اقتصاد ناشی از قطعی برق بخش عمده‌فروشی و خرده‌فروشی است.

در صفحه ۵ بخوانید

فرمان جهاد علیه مثلث شوم

مهم نیست فرد چطور فکر می‌کند و چه تحلیلی از صحنه نبرد دارد، مهم اینست که بترسد. اگر بترسد حتی به داشته‌های خودش نیز فکر نمی‌کند.

۲

نقض آشکار حاکمیت سوریه

پیشخوان Pishkhan.com

هیچ مبنای پذیرفته‌شده حقوقی مطابق قواعد بین‌المللی برای خلع سلاح پیشگیرانه وجود نداشته و این یک بدعت آشکار توسط رژیم صهیونیستی در نادیده انگاشتن بنیان‌های اساسی حقوق بین‌الملل است که بیش از یک دهه توسط این رژیم در سوریه ادامه داشته است.

۲

مردم سوریه نه طرف اسد ایستادند نه به تکفیری‌ها پیوستند

جامعه سوریه از یک نظام خالی از هویت، سکولار و با ایدئولوژی فرسوده به سمت یک نگاه تند ایدئولوژیک سلفی رفت که هیئت تحریرالاشام حامل آن هستند.

۳

لجام گسیختگی قیمت ارز طی ۲ سال اخیر

در حال حاضر دولت ارز را به دستگاه‌های مدنظر خود و با قیمت‌های مختلف داده و برای خودش این اختیار را قائل شده که تولید آنها را چک کند. اما آیا واقعاً ارز به تولیدکنندگان واقعی داده شده است؟

۵

سالی که نکوست از سینمایش پیداست

اکنون بهار سریال‌سازی در این دنیای فست‌فودی است و هیچ چیز به اندازه این مدیوم نمی‌تواند نظر نسل جدید را به هنر رقیق‌شده و کم‌کارکرد نمایش جلب کند

۶

توجه به حدود نقاط حیاتی در خصوص نیل به وفاق

در عرصه بسیار حساس فضای مجازی ما به توافقی نیاز داریم که محدود به ماه عسل دولت جدید نباشد و در روزهای سخت و بحرانی نیز به کار آید.

۷

فرمان جهاد علیه مثلث شوم

محسن مهدیان

رهبرانقلاب یک نکته راهبردی و البته امیدآفرین به ستایشگران اهل بیت فرمودند: اینکه جهاد زبان در مواردی مهمتر از جهاد جان است ... مثل جهاد این روزهای ما که جهاد تبیین است. تا اینجا اهمیت مساله. اما یک نکته لطیف هم فرمودند که قابل گذشتن نیست. اینکه حضرت زهرا سلام الله علیها به کسی محبت پیدا می‌کنند که اهل جهاد تبیین باشند چرا که مهمترین خصوصیت آن بانوی فداکار و مظلوم تبیین بوده است.

مهمترین ماموریت جهاد تبیین برای این روزها، جهاد علیه مثلث شوم است. مثلث شوم چیست؟ فرمودند سه گانه "هراس افکنی، اختلاف افکنی و یاس آفرینی" مثلث اهداف ضداسلامی ـ ضدایرانی دشمن است و باید با منطق دلنشین "شجاعت و آگاهی و ایستادگی" را منتقل کرد. اما چرا این مثلث؟ امروز جنگ اصلی در ساحت ذهن است. ذهن‌ها تسخیر شود، دشمن بر زمین و زمان مسلط می‌شوند. کما اینکه تروریست‌های وابسته به محور تل آویو ـ واشنگتن در سوریه، اول بر ذهن‌ها مسلط شدند و بعد میدان.

اساسا جنگ شناختی با این هدف است که با تحریک ذهن و قلب، اراده افراد را به زنجیر بکشد. اینجاست که فرد مسخ شده ناخواسته مثل عروسکی دست ساز اجیر می‌شود. اما چرا هراس افکنی؟ نقش هراس افکنی در جنگ‌های روانی بسیار حساس است. مهمترین نقش هراس افکنی اینست که قدرت تفکر و استدلال فرد را مختل می‌کند. به اصطلاح فرد دچار کپ کردن محاسباتی می‌شود. توجه شود که مهم نیست فرد چطور فکر می‌کند و چه تحلیلی از صحنه نبرد دارد، مهم اینست که بترسد. اگر بترسد حتی به داشته‌های خودش نیز فکر نمی‌کند.

مثل اخبار جعلی حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای و یا ضعف ایران در مقاومت نظامی. یا ادعای نفوذ در سیستم دفاعی و یا برجسته سازی عملیات‌های خرابکارانه کوچک. در نهایت؛ هراس افکنی باعث می‌شود قدرت یک جامعه دچار مرگ عصبی شود. فرد یا جامعه قدرت دارد اما توان کنترل و بهره گیری از قدرت را ندارد. اما چرا اختلاف افکنی؟ اختلاف افکنی اصل قدرت را مختل می‌کند. در سوره انفال ۴۶ می‌فرماید "وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفشَلُوا." یعنی تنازع کردید، فشل می‌شوید. سست می‌شوید و در ادامه می فرماید" وَ تَذهَبَ رِیحُکُم" و عزتتان از بین می رود. رهبر انقلاب سال ۱۴۰۱ در دیدار با مسئولین نظام با اشاره به این آیه با تاکید معناداری می فرمایند اگر اختلاف آمد "قهرا خاک نشین می شوید. قهرا ذلیل می شوید. قهرا وسیله تسلط دیگران را بر خودتان فراهم کرده اید"

مثل تقابل دولت با حاکمیت یا استعفای رئیس جمهور یا انگشت اتهام سمت فرماندهان نظامی گرفتن و مواردی از این دست. در نهایت؛ اختلاف افکنی، قدرت یک جامعه را از درون متلاشی می کند و قوای جامعه در مواجهه با یکدیگر دچار فرسایش می‌شود. اما چرا یاس آفرینی؟ یاس آفرینی نیز قدرت شکن است. احساس بن بست یک اثر بسیار کلیدی دارد و آنهم نشستن است. فرد ناامید در نقطه پیروزی، شکست را می پذیرد. یاس آفرینی باعث می‌شود اساسا قدرت دیده نشود. حرکت و تلاش مورد اعتنا قرار نگیرد. دشمن بزرگنمائی شود و امید از اصلاح رخت ببندد.

مثل بی ارزش نشان دادن موفقیت‌های علمی و نظامی و کوچک شمردن نقش ایران در معادلات بین المللی و بزرگنمایی مشکلات اقتصادی و غیره. در نهایت؛ اساسا با یاس آفرینی قدرت دیده نمی‌شود که بخواهد استفاده شود. فرد یا جامعه دچار وارونه نمایی می‌شود و شکست را همان ابتدا می‌پذیرد و اما نکته آخر؛ سهم دشمن که روشن است. ذاتش بر خباثت است. سهم دنیاطلبان و غربزده‌های داخلی نیز روشن است. اساسا موجوداند به القای دشمن. سهم مرجفون نیز روشن است. اساسا موجوداند به اغوای دشمن. اما امان از آنها که نیت شان خیر است اما ثمره عمل شان تثبیت همین مثلث شوم است. خلاصه اینکه ماموریت امروز جهاد تبیین، روشنگری علیه این مثلث شوم است.

نقض آشکار حاکمیت سوریه

توسط رژیم صهیونیستی و حقوق بین‌الملل

عباسعلی کدخدایی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اخیر اقشار مختلف مردم، حوادث اخیر سوریه را محصول مشترک یک نقشه آمریکایی و صهیونیستی دانستند و سکوت آمریکا و دولت‌های اروپایی در مقابل تجاوز زمینی رژیم صهیونی به خاک سوریه را یکی از قرائن این طراحی مشترک خواندند: «چرا رژیم صهیونیستی و آمریکا در این قضیّه وارد شدند و شدند یک طرف جنگ و شروع کردند کشور را بمباران کردن؟ سیصد چهارصد نقطه را بمباران کردن چیز کوچکی نیست. رژیم صهیونیستی، علاوه‌ی بر این [کار]، سرزمین‌های سوریه را تصرّف کرد؛ تانک‌های او تا نزدیک دمشق آمدند. منطقه‌ی جولان که متعلّق به دمشق بود، سالها دستشان بود، حالا شروع کردند مناطق دیگر را هم گرفتن. آمریکا و اروپا و دولتهایی که روی این چیزها در سایر کشورهای دنیا حسّاسند، روی یک متر و ده مترش حسّاسند، نه‌فقط سکوت میکنند و اعتراض نمی‌کنند، بلکه کمک هم می‌کنند. کار، کار آنها است.» ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

حاکمیت کشورها از نگاه حقوق بین‌الملل همچنان یک رکن اساسی است و لذا بند ۱ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، همه کشورها را صرف‌نظر از نظام سیاسی، قدرت اقتصادی یا ثبات داخلی آن‌ها، واجد جایگاه حقوقی متمایز در جامعه بین‌الملل می‌داند. این اصل تضمینی است بر اینکه حاکمیت هیچ کشوری علی‌رغم همه چالش‌های داخلی، نمی‌تواند تحت اراده خودسرانه کشوری دیگر قرار گیرد و فقدان دولت مرکزی در کنترل، حفظ و اداره کشور خدشه‌ای به حاکمیت کشور مربوطه و وضعیت حقوقی محافظت شده از آن در نظام بین‌المللی وارد نمی‌سازد.

در واقع حقوق بین‌الملل، معیار و مؤلفه‌های قانونی برای به رسمیت شناختن کشور را طی کنوانسیون ۱۹۳۳ مونته ویدئو تعیین کرده است که به موجب آن شرط تشکیل و به رسمیت دانستن حاکمیت کشور مطابق ماده ۱ کنوانسیون و رویه دولت‌ها داشتن سرزمین مشخص، جمعیت، حکومت و توانایی برقراری ارتباط با سایر دولت‌ها بوده است. اما این مکانیسم تنها ناظر بر وضعیت تأسیس کشور و به رسمیت شناختن آن خواهد بود و موضوع تداوم حاکمیت یک کشور پس از وقوع تغییرات جدی در نظام سیاسی یا ثبات داخلی آن، موضوعی نیست که بتواند حاکمیت یک کشور مستقل (پس از تشکیل) و استمرار آن را با تشکیک مواجه سازد.

بنابراین حسب عقیده حقوقدانان بین‌المللی، حاکمیت یک کشور با تغییرات اساسی در قلمرو جمعیت یا قدرت مرکزی مضمحل نمی‌گردد و این قاعده با ابتنای بر اصل دوام حاکمیت دولت، به حفظ ساختار دولت‌مدار جامعه بین‌الملل و تداوم آن انجامیده است تا صلح و امنیت بین‌المللی در پرتو بقای جوامع دولتی و برابری حاکمیت‌ها تحقق یابد. اکنون نتیجه منطقی وجود و استمرار حاکمیت کشور در فقدان دولت مرکزی، حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور مربوطه است که امکان توسل به زور علیه آن و مداخله در امور داخلی کشور مزبور را صراحتاً مطابق بندهای ۴ و ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد ممنوع خواهد ساخت.

بر این اساس حاکمیت بین‌المللی کشور سوریه در شرایط فعلی که فاقد قدرت مرکزی کارآمد و مؤثر است، همچنان از سوریه در برابر هر نوع تجاوز مسلحانه و توسل به زور محافظت می‌کند و این مهم نمی‌تواند توسط تابع دیگری در نظام بین‌الملل نقض گردد. هر اندیشه‌ای در جهت تضعیف حاکمیت کشور که منتج به تجاوز مسلحانه و توسل به زور علیه آن شود، باطل است و قابل توجیه نخواهد بود. کما اینکه رویه جامعه بین‌الملل، خود مؤید این نظریه بوده و مبتنی بر اصل منع مداخله و منع توسل به زور، اجازه تجاوز مسلحانه را به هیچ دولتی نداده است.

بنابر استدلال فوق هر گونه مداخله نظامی در کشورهای فاقد قدرت مرکزی، صرفاً به موجب تصمیمات شورای امنیت ملل متحد و در چارچوب اقدامات فصل هفت منشور قابل تصور خواهد بود. مداخلات قهری صورت گرفته در کشورهایی که همچون سوریه فاقد دولت مرکزی بوده و بعضاً توسط سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان «دولت شکست‌خورده» شناخته شده‌اند، صرفا با قطعنامه‌های تحت فصل هفت شورای امنیت به وقوع پیوسته است که از جمله آن می‌توان به عملیات سازمان ملل متحد در سومالی طی قطعنامه ۷۹۴ شورای امنیت، مأموریت سازمان ملل در لیبریا وفق قطعنامه ۱۵۰۹ و یا مأموریت سازمان ملل در سیرالئون به موجب قطعنامه ۱۲۷۰ شورای امنیت اشاره داشت.

تمام این موارد نشان می‌دهد جامعه بین‌المللی و شورای امنیت، همچنان حق حاکمیت بین‌المللی دولت شکست‌خورده را در حفظ تمامیت ارضی خود و مصون بودن از تجاوز مسلحانه سایر دولت‌ها محترم می‌شمارند و این کشورها را مشمول بهره‌مندی از حقوق مقرر در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌دانند. افزون بر آن بسیاری از قطعنامه‌های فصل هفت شورای امنیت، ضمن تائید عدم حضور دولت مرکزی در قلمرو قدرت، صراحتاً حق کشورها بر حاکمیت و تمامیت ارضی را مورد تائید قرار داده‌اند. به عنوان مثال قطعنامه ۸۹۷ شورای امنیت راجع به عملیات ملل متحد در سومالی (موسوم به UNOSOM II)، ضمن تائید فقدان دولت مرکزی در سومالی، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی سومالی را مطابق با منشور ملل متحد مورد تأکید خود قرار می‌دهد.

به عبارت دیگر استناد شورای امنیت به قطعنامه‌های فصل هفت، خود مؤید بهره‌مندی دولت‌های فاقد دولت مؤثر از مزایای بندهای ۴ و ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد است که چنانچه جز این بود، صدور چنین قطعنامه‌هایی تحت فصل هفت منشور ملل متحد اساساً بی‌معنا و خالی از فایده می‌بود. حتی فراتر از آن در بسیاری از قطعنامه‌های فصل هفت، شورای امنیت شرط رضایت کشور موردنظر نسبت به انجام عملیات ملل متحد را بایسته و ضروری قید می‌کند تا اماره‌ای دیگر بر حفظ و تداوم حاکمیت بین‌المللی کشور مزبور در نظام بین‌الملل باشد. مشروح مذاکرات صورت گرفته در تصویب قطعنامه ۱۸۵۱ شورای امنیت نشان می‌دهد کشورهایی از جمله بریتانیا، چین، روسیه و آلمان، ضمن تأکید بر حاکمیت سومالی، شرط رضایت دولت انتقالی این کشور برای اجازه به عملیات خارجی در خاک سومالی را ضرور دانسته‌اند.

بدین اساس تأکیدهای مکرر شورای امنیت و رویه دولت‌ها بر تداوم حاکمیت بین‌المللی دولت‌های شکست‌خورده و ضرورت رضایت آنان برای هرنوع مداخله نظامی در کنار مجوز فصل هفتم منشور، نشان از نهی هرگونه تجاوز و مداخله مسلحانه علیه این‌گونه کشورها توسط سایر تابعان بین‌المللی است که اکنون تجاوزات گسترده رژیم صهیونیستی در سوریه طی روزهای گذشته و اشغال آن، به وضوح گویای نقض تمامیت ارضی سوریه و تخلف فاحش از قواعد پذیرفته‌شده حقوق بین‌المللی است. رژیم

صهیونیستی در حالی تجاوز به سوریه را با توجیه خلع سلاح پیشگیرانه انجام می‌دهد که به اذعان بن سائول، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در زمینه ارتقای حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، هیچ مبنای پذیرفته‌شده حقوقی مطابق قواعد بین‌المللی برای خلع سلاح پیشگیرانه وجود نداشته و این یک بدعت آشکار توسط رژیم صهیونیستی در نادیده انگاشتن بنیان‌های اساسی حقوق بین‌الملل است که بیش از یک دهه توسط این رژیم در سوریه ادامه داشته است.

تجاوزات رژیم صهیونیستی در گسترش اشغال غیرقانونی سرزمین‌های سوریه که با نقض توافق ۱۹۷۴ خود با سوریه همراه بوده است، بخشی از الگوی گسترده‌تر این رژیم در اشغال غیرقانونی سرزمین‌های فلسطین و لبنان است که نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار به اصول حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و تصمیمات مراجع بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد و دیوان بین‌المللی دادگستری است. رژیم صهیونیستی با وجود رأی مشورتی صریح دیوان بین‌المللی دادگستری در خاتمه دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطین، به رویکرد طغیانگر و سرکشانه خود اکنون در سوریه ادامه می‌دهد؛ چراکه اطمینان دارد در زیر چتر حمایت آمریکا مصون از هرگونه مجازات و پاسخگویی است. رژیم صهیونیستی در پی جنگ ۱۹۶۷، بیشتر بلندی‌های جولان را تحت اشغال خود درآورد و در اقدامی غیرقانونی و مغایر با اصول پذیرفته‌شده جهانی، این سرزمین‌ها را به خود ملحق ساخت؛ اقدامی که هیچ‌گاه از سوی جامعه بین‌الملل به رسمیت شناخته نشد و همچنان به عنوان نقض آشکار حقوق بین‌الملل شناخته‌می‌شود.

حاکمیت و تمامیت ارضی، از ارکان بنیادین و اساسی در ساختار حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند که پایه ها و چارچوب‌های این نظام حقوقی را شکل می‌دهند و نه بر اساس اراده یا تفاسیر برخی دولت‌ها، بلکه بر اساس اجماع یک جامعه بین‌المللی قوام یافته است. از این رو باید تاکید شود که رژیم صهیونیستی یا آمریکا نمی‌توانند با بازتعریف آن، خللی در مفاهیم و آثار مهم برآمده از آن ایجاد نمایند. حاکمیت سوریه، مانند لبنان، فلسطین و هر کشور دیگری در منطقه، مصون از هرگونه تعرض، تجاوز و اشغال است که هرگونه تلاش برای تهدید یا تغییر تمامیت ارضی و یا تخریب زیر ساخت‌های کشور سوریه توسط رژیم اشغالگر صهیونیست اکیداً ممنوع بوده و موجب مسئولیت بین‌المللی این کشور و کشورهای حامی خواهد بود.

پیشخوان
Pishkhan.com

آژانس بین‌المللی اتمی جز بدعهدی، چیزی برای ایران نداشته است

ایرج فرخنده‌پور

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع نقش مدیر کل آژانس بین المللی اتمی در پازل فشار غرب علیه ایران و با حضور دکتر ایرج فرخنده‌پور کارشناس مسائل بین الملل به روی آنتن رفت.

ایرج فرخنده‌پور با بیان اینکه آژانس بین المللی اتمی از ابتدای ورود خود به موضوع هسته‌ای ایران تا به امروز مشکلات زیادی را برای کشور فراهم آورده است، گفت: جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور آزاد و مستقل باید از حق طبیعی خود برای انرژی هسته‌ای استفاده کند.

وی با اشاره به این موضوع که در دنیا برای هیچ کشوری محدودیتی در خصوص استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای وجود ندارد، بیان کرد: از ابتدای ورود ایران به باشگاه هسته‌ای جهان، این انرژی را حق مسلم خود می‌دانستیم. از همان ابتدای فعالیت، با روشن گری و بیان واقعیت‌های اقدامات کشورمان در حوزه هسته‌ای، با خیلی از کشورهای دنیا تعامل داشتیم.

این کارشناس مسائل بین الملل در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با تصریح بر اینکه تا به امروز از آژانس بین المللی اتمی جز بدعهدی چیزی ندیده‌ایم، اظهار کرد: این نهاد بین المللی متاسفانه آلت دست کشورهای غربی شده است؛ در حالی که جمهوری اسلامی ایران بارها به تعهدات خود عمل و اقدام به روشن گری و شفاف سازی کرده است.

وی از نظارت‌های سخت آژانس بین المللی اتمی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران از ابتدای ورود کشورمان به باشگاه هسته‌ای گفت و عنوان کرد: خود مدیران آژانس بین المللی اتمی بارها تاکید کرده‌اند این نظارت‌ها و بازرسی‌ها بی سابقه بوده است.

فرخنده‌پور با یادآوری این فلسفه وجودی آژانس بین المللی اتمی تاکید کرد: این نهاد بین المللی باید بی‌طرف و میان‌دار باشد. آژانس باید واقعیت‌ها را ببیند و بر اساس حقایق اقدام حقوقی کند.

وی با بیان اینکه غربی‌ها و به طور مشخص آمریکا و تروئیکای اروپایی، توطئه‌های فراوانی علیه کشورمان داشته‌اند، اظهار کرد: آنها بارها ادعا کردند ایران فعالیت غنی سازی خود را در نقطه دیگری به جز نیروگاه هسته‌ای انجام می‌دهد اما بعدا کاشف به عمل آمد جاسوس‌ها و عوامل غربی، منطقه‌ای از کشور را آلوده به مواد رادیو اکتیو کرده بودند تا جمهوری اسلامی ایران را در این خصوص مقصر جلوه دهند.

این کارشناس مسائل بین الملل به ترورهای جنایتکارانه دانشمندان هسته‌ای کشورمان توسط صهیونیست‌ها و غربی‌ها اشاره و بیان کرد: اطلاعات مربوط به دانشمندان هسته‌ای توسط برخی از بازرسان آژانس بین المللی اتمی در اختیار سرویس‌های غربی قرار داده شد. در حقیقت آنها در قالب بازرسی‌های خود، دانشمندان کشورمان را شناسایی می‌کردند و صهیونیست‌ها با روش‌های وحشیانه‌ای اقدام به ترور دانشمندان کشورمان کردند.

فرخنده‌پور با انتقاد از عملکرد آژانس بین المللی اتمی و مدیران کل این نهاد تصریح کرد: تا به امروز آژانس فقط شیوه‌های کشورهای غربی را در مدیریت خود اعمال کرده است. علی رغم اینکه جمهوری اسلامی ایران به تمام تعهدات خود عمل کرده است و در تمام راستی آزمایی‌ها پیروز میدان بوده است، اما با شیطنت و دغل بازی غربی‌ها به بهانه‌های واهی، آژانس بین المللی اتمی را در مسیر فشار به کشورمان قرار می‌دهند تا به نتیجه خود یعنی اعمال تحریم‌های بیشتر دست پیدا کنند.

وی با پیش بینی این مسئله که مجددا در آینده باز هم شاهد رفتارهای خصمانه از سوی غربی‌ها و با ایفای نقش آژانس بین المللی اتمی خواهیم بود گفت: بهانه آنها چیزی نیست که در رسانه‌ها و به صورت اعلامی مطرح می‌کنند و درد آنها این است که اساسا با اصل هسته‌ای شدن و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مخالف هستند.

وی افزود: بنای مخالفت غرب و نهادهای وابسته بین المللی بر این استوار است چون جمهوری اسلامی ایران کشور مستقل بوده و زیر یوغ هیچ حکومت استعمارگری نیست و به همین جهت تلاش دارند با بهانه تراشی‌های بیجا و بی مورد، در مسیر پیشرفت کشورمان سنگ اندازی کنند و به زعم خودشان مانع توسعه ایران شوند.

مردم سوریه نه طرف اسد ایستادند نه به تکفیری‌ها پیوستند

محسن ردادی

دکتر محسن ردادی مدیر گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به مناسبت اتفاقات اخیر سوریه به گفت‌وگو با روزنامه جوان، پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

■ چه اتفاقی در جامعه سوریه افتاد که موجب شد مردم و ارتش سوریه اینگونه به سرعت کشور خود را تحویل گروه‌های تروریستی دهند؟

یک بخشی از این موضوع ممکن است به نظر اقتصادی برسد که به نظر اشتباه هم نیست، یعنی اغلب تحلیلگران موضوع را معمولاً اقتصادی تحلیل می‌کنند و اینکه مردم به شدت تحت فشار و اذیت بودند و به دلیل اینکه حکومت نتوانسته بود نیازهای اولیه مردم را تأمین کند، موجب شد تا حکومت دچار فروپاشی شود، ولی از سوی دیگر می‌بینیم خیلی از کشورها هستند که اوضاع آنها از سوریه بدتر است، حکومت مستقر هنوز ادامه دارد؛ مثلاً افغانستان اوضاع خیلی بدتری از نظر امکانات در برابر سوریه دارد یا خیلی از کشورهای عقب مانده‌تر نسبت به سوریه وجود دارند. پس اقتصاد به تنهایی نمی‌تواند توضیح‌دهنده این وضعیت باشد و اگر این اتفاق را به بحث اقتصاد فرو بکاهیم، به نظر مسیر اشتباهی رفته‌ایم.

■ ولی بالاخره در افغانستان هم به نوعی دولت فروپاشید و طالبان بر سرکار آمد.

ما می‌گویم الان وضع مردم ظاهراً نسبت به قبل بهتر نشده یعنی تحریم‌ها بیشتر شده، کمک‌های مالی قطع شده، خیلی از اموال افغانستان بلوکه شده و الان وضعیت مردم بهتر از قبل نیست و طبیعتاً اگر بهتر بود، به این شکل به ایران و دیگر کشورها مهاجرت نمی‌کردند. البته افغانستان یک مثال بود و می‌خواهم بگویم که این کمبود امکانات و فرسودگی زیرساخت‌های اقتصادی به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی این اتفاقی باشد که افتاد. آن چیزی که به نظر می‌رسد حتی در کشورهای عقب‌مانده مانند کشورهایی در جنوب شرق آسیا یا آفریقا موجب می‌شود که حکومت ادامه داشته باشد و کشور دچار فروپاشی نشود، این است که حکومت باید علاوه بر قدرت سخت به نوعی قدرت نرم هم مجهز باشد که مردم را قانع کند و آن اعتقاد و ایدئولوژی باید وجود داشته باشد که موجب ایجاد یک وحدت ملی است و همچنین وفاداری به حکومت را به ارمغان بیاورد. وقتی که ایدئولوژی در کشوری ضعیف شود و مردم دچار نوعی پراکندگی از نظر افکار و گرایش‌های سیاسی شوند، آن حکومت خیلی در معرض خطر قرار می‌گیرد.

■ شاید برای ما ایدئولوژی اسلامی باشد، ولی این با چیزی که در یک کشور مثلاً سکولار یا لائیک هست، متفاوت باشد؛ این ایدئولوژی چیست؟

ایدئولوژی به آن معنایی که در علوم سیاسی به کار می‌رود، منظور است یعنی یک تفکر، ما یک تفکر داریم که در دانشگاه است که می‌شود اندیشه لیبرالیسم، اندیشه اسلامی یا اندیشه کمونیست ولی وقتی می‌آید و در قدرت قرار می‌گیرد و تبدیل به ابزار مشروعیت‌بخش به حکومت می‌شود، به نظر تبدیل به ایدئولوژی شده و در همه کشورهایی که به نوعی قدرت را حفظ کردند و یک وحدت ملی وجود دارد، یک نوع ایدئولوژی وجود دارد؛ مثلاً در چین ایدئولوژی کمونیست به کارگرفته شده که مردم به حکومت وفادار باشند و اگر در امریکا اندیشه ناسیونالیسم را بگوییم، مثلاً کسانی که به ترامپ رأی می‌دهند، این اندیشه را پذیرفته‌اند و براساس این اندیشه نسبت به یکی از وابستگان به حکومت علقه پیدا می‌کنند و این جریان فکری و اندیشه‌ای است که در قدرت قرار گرفته‌است. در اروپا هم همینطور است، مثلاً سکولاریسم یا لیبرالسیم تبدیل به یک ایده شده مثلاً می‌توان گفت در آلمان لیبرالیسم تبدیل به یک ایدئولوژی شده و هر چند لیبرال‌ها بدشان می‌آید که بگوییم شما یک ایدئولوژی هستید و ایدئولوژی را برای مسلمانان می‌دانند، ولی در آلمان روی لیبرالیسم تعصب وجود دارد یا در فرانسه روی لائیسیته متعصب هستند و در جایی که ببینند کسی مقابل این تفکر آنها ایستاده بر سر آن دفاع می‌کنند و تلاش می‌کنند از آن هسته سختی که در حکومت وجود دارد، به شدت دفاع کنند.

■ این تفکر در سوریه به چه شکل بود؟

در سوریه می‌توانست اندیشه مقاومت باشد یا حتی چیزی که در زمان حافظ اسد به عنوان تعصب عربی وجود داشت و اصلاً اسم کشور جمهوری عربی سوریه و اسم ارتش هم ارتش عربی سوریه بود، بر این اساس حکومت شکل گرفته‌بود و یک حکومت سوسیال ناسیونالیسم بود که موجب شده‌بود حکومت یک حکومت به شدت قوی باشد و مردم به واسطه عرق ناسیونالیستی به حکومت وابسته باشند و به آن مشروعیت می‌داد. اینکه دولت سوریه در مقابل صهیونیست‌ها می‌ایستاد، برای این بود که می‌گفت ما می‌خواهیم از کیان، غیرت و تمامیت عرب‌ها در مقابل صهیونیست‌ها دفاع کنیم و البته خیلی هم اندیشه اسلامی نداشت. سوریه نسبت به بسیاری از کشورهای عربی و حتی نسبت به الان قطر خیلی سکولارتر بود.

■ بر این اساس باید گفت غیرت عربی در میان مردم سوریه کاهش پیدا کرده‌است؟

نه منظورم این نیست که غیرت عربی کاهش پیدا کرده، بلکه منظورم این است که آن ناسیونالیسم عربی که در حکومت وجود داشت، کم کم رنگ باخت و از دست رفت. آن چیزی که قدرت نرم برای حکومت ایجاد می‌کرد و چیزی که موجب شده‌بود مردم به آن حکومت وفادار شوند، کم کم در این زدوخوردها و ورود ایدئولوژی‌های دیگر که ناسیونالیسم تاب مقاومت در برابر آن را ندارد، از دست رفت. وقتی که اندیشه اسلامی حتی با قرائت تکفیری وارد می‌شود و غالب افراد را تهییج می‌کند، افراد حتی به این قرائت از اسلام نیز علقه بیشتری پیدا می‌کنند تا نسبت به ناسیونالیسم عربی که در دنیای جهانی شده امروز به نوعی تضعیف شده‌است. دولت سوریه نیز انگار در صدد احیای این نظام ناسیونالیسم نبود، انگار بیشتر به دنبال بحث‌های سخت افزاری بود و می‌گفت باید از نظر تجهیزات خودمان را تقویت کنیم. بر همین اساس دولت سوریه به دنبال ارتباط با کشورهای دیگر بود و از آن بعد اندیشه‌ای غافل شده‌بود.

این خیلی مهم است که در نظر بگیریم، هر حکومتی نیازمند به یک تفکر و اندیشه مشروعیت بخش است که اگر آن تضعیف شود و از دست برود کشور به سرعت در معرض خطر قرار می‌گیرد. در این ۱۰ سال گذشته اندیشه ناسیونالیسم عربی به شدت تضعیف شده البته من در کشورهای دیگر هم آن را نمی‌بینم، اندیشه ناسیونالیسم عربی متعلق به مصر زمان ناصر بود و خیلی هم کارکرد داشت، ولی دیگر این تفکر کار نمی‌کرد، ولی اگر حکومت سوریه به دنبال این بود که نگاه مقاومت و نگاه اسلامی را جایگزین این تفکر کند، احتمالاً می‌توانست وفاداری بهتری را از مردم انتظار داشته‌باشد و حتماً می‌توانست در مقابل گروه‌های تکفیری که نگاه‌های خیلی صریح و شفاف اسلامی دارند و خیلی از نظر اسلامی و تکفیری نگاه شان ایدئولوژیک است، شکست دهد و دولت سرکار بماند.

در اینجا می‌توانم از خودمان مثال بزنم، وقتی که عراق به ایران حمله کرد، ما یک نیروی نظامی پیشرفته داشتیم که خیلی هم زحمت کشیدند، ولی ارتش ما اگر وقتی که جنگ آغاز شد به اتکای تسلیحات می‌خواست بجنگد، همان اتفاق زمان رضاخان می‌افتاد که اسلحه خوب هم داشتیم، ولی، چون هیچ علقه‌ای وجود نداشت، ارتش به سرعت شکست خورد، ولی دو اتفاق افتاد، یک اینکه ارتش یک نگاه مردمی پیدا کرد که ارتش فدای ملت است و من باید برای خدا، مردم و انقلاب خودم را فدا کنم و بخش دیگر نیروهای کاملاً ایدئولوژیک جمهوری اسلامی بودند که کاملاً وارد عرصه شدند. شما تصور کنید ما بسیج و سپاه را در جنگ نداشتیم و ارتش هم آن حمیت و غیرت را که در زمان انقلاب پیدا کرده‌بود، نداشت، من تصور نمی‌کنم در چنین شرایطی ما می‌توانستیم بیشتر از یک ماه دوام بیاوریم، در مقابل ارتش صدام که هم تجهیزات خیلی قوی تری داشت و هم از نظر ایدئولوژی نیروهای خود را تغذیه کرده‌بود که می‌خواهیم برویم با این ایرانی‌های کافر بجنگیم و شما سپاه اسلام هستید که دارید جنگ قادسیه را تکرار می‌کنید. بنابراین از لحاظ ایدئولوژی و نظامی کاملاً برای شکست دادن ایران آماده بودند، اما آن بعد ایدئولوژیک و فکری بود که موجب می‌شد نیروها وفادار باشند و جای این اعتقاد و انگیزه در سوریه بسیار خالی بود. اگر مدافعان حرم مثل همان سال‌های اول حضور داشتند و نیروهای مردمی که رهبری اسم بردند و فرمودند در آن دوران تربیت شده‌بودند، ولی متأسفانه دولت سوریه آنها را منحل کرد، حضور داشتند این اتفاق نمی‌افتاد.

■ این نیرویی که جلوی ارتش سوریه ایستاد، چقدر ایدئولوژیک بود، چون بالاخره آنها نیز چندین فرقه هستند و آیا مردم سوریه از یک ایدئولوژی به یک ایدئولوژی دیگر حرکت کردند یا اینکه از یک ایدئولوژی به سمت بدون ایدئولوژی بودن حرکت کرده اند؟

این نکته را تأکید می‌کنم که حکومت سوریه کلاً از ایدئولوژی خالی و این موجب شده بود که مشروعیت خود و وفاداری مردم را از دست بدهد، اما در مورد نیروهای مقابل برعکس بودند، افرادی بودند که به روزترین سلاح‌ها توسط یکی از کشورهای همسایه سوریه مجهز شده‌بودند و اینجاست که انسان متوجه می‌شود اسلام امریکایی که حضرت امام (ره) می‌فرمودند چه کسانی هستند؛ یعنی در حالی که خیلی ادعا می‌کنند ما در مقابل اسرائیل هستیم، ولی اینجا به راحتی به کمک صهیونیست‌ها می‌آیند و یکی از بخش‌های جبهه مقاومت را زمین می‌زنند.

این نیروی مقابل بشار اسد هم سلاح‌های پیشرفته را به واسطه همسایه سوریه به دست آورده‌بود و هم ایدئولوژی بسیار قدرتمندی داشت که ترکیب نگاه‌های سلفی و اخوانی با نگاه‌های آزادی‌بخش بود و شعارشان این بود که ما می‌خواهیم سوریه را آزاد کنیم. با همه شرایط، اما من فکر می‌کنم مردم سوریه فقط نظاره گر بودند؛ نه سمت بشار اسد ایستادند و نه به تکفیری‌ها پیوستند، بلکه، چون از هر دو طرف خسته و گریزان بودند، دخالتی نکردند، البته یک بخش عمده‌ای از افرادی که نگاه‌های تکفیری و سلفی داشتند، شروع به همراهی با این ارتش تکفیری و سلفی تحریرالشام کردند. پس مردم نظاره گر بودند و این انقلاب مردمی نبود، بلکه یک جنگ داخلی بود که به برافتادن حکومت مستقر دمشق منجر شد و اگر انقلاب مردمی بود، حتماً آینده خوبی برای آن می‌شد پیش بینی کرد، اما اتفاقی که افتاد، این بود که جامعه سوریه از یک نظام خالی از هویت، سکولار و با ایدئولوژی فرسوده به سمت یک نگاه تند ایدئولوژیک سلفی رفت که هیئت تحریرالاشام حامل آن هستند.

تاریخ چه فایده‌ای دارد؟

کتاب «پیشه مورخ» منتشر شد؛
وصیت نامه مارک بلوخ در مقام یک مورخ/ تاریخ چه فایده‌ای دارد؟

کتاب «پیشه مورخ» با عنوان فرعی تاملاتی در ماهیت و کاربردهای تاریخ و فنون و روش‌های کسانی که آن را می‌نویسند، تالیف مارک بلوخ و ترجمه مجید صادق‌زاده حمایتی از سوی نشر ثالث منتشر شد.

«پدر، به من بگو تاریخ چه فایده ای دارد؟» چنین بود که چندسال پیش، پسربچه ای که علاقه ویژه‌ای به او داشتم این سوال را از پدرش پرسید. کاش بتوانم بگویم که این کتاب پاسخ من به اوست.

مارک بلوخ، مورخ برجسته فرانسوی و از بنیانگذاران مکتب تاریخ‌نگاری آنال، در این اثر کلاسیک به بررسی روش‌های مشاهده، تحلیل و نقد تاریخی می‌پردازد و سرشت پیوندهای علی در فرایندهای تاریخی را از نو می‌کاود. به رغم اینکه با گذشت دهه‌ها از انتشار این کتاب، اسلوب تاریخ‌نگاری و مبانی روش‌شناختی پژوهش تاریخی راه کمال پیموده و استوارتر از همیشه شده است، پیشه مورخ بلوخ همچنان مرجعی آموزنده و تأمل‌برانگیز به شمار می‌رود که ضمن موشکافی‌های نغزش در روایت‌های تاریخی، بر نظرگاهی جامع‌نگرتر و انسانی‌تر به قلمرو تاریخ پای می‌فشارد.

این کتاب وصیت نامه بلوخ در مقام یک مورخ است؛ اعلامیه متفکرانه و صادقانه یک هنرور بزرگ درباره پیشه‌اش. بلوخ در این اثر اعتقادش به وحدت کل تاریخ و ارتباط پویای حال و گذشته را که باعث می‌شود تاریخ فراتر از اسباب‌بازی متفننان باشد، عرضه کرده است. جای تأسف است که او نتوانست کتابش را به پایان برد و خود بپیراید. با این حال، حتی در این اثر ناتمام، بلوخ شیوه‌نامه‌ای برای همکارانش تدارک دیده و توصیف نابی از اصول اعتقادی مورخ و معنای اثر تاریخی نزد عموم مردم عرضه کرده است.

بلوخ این اثر را چنین پیشکش کرده است: «یادداشت‌های پیشه‌وری که همیشه دوست داشته در وظیفه روزمره‌اش تعمق کند، دفترچه کارآموزی که سال‌ها با خط‌کش و تراز سروکار داشته اما خودش را ریاضیدان نمی‌داند.»

کتاب «پیشه مورخ» با عنوان فرعی تاملاتی در ماهیت و کاربردهای تاریخ و فنون و روش‌های کسانی که آن را می‌نویسند، تالیف مارک بلوخ و ترجمه مجید صادق‌زاده حمایتی با ۲۰۳ صفحه و بهای ۲۲۰ هزار تومان از سوی نشر ثالث منتشر شد.

پیشخوان
Pishkhan.com

روابط جمهوری اسلامی ایران و نظام سوریه

بخش سوم

هادی معصومی زارع

متن زیر بخش سوم مصاحبه آقای دکتر هادی معصومی زارع است. که به تاریخ روابط نظام سوریه و ایران و تحولات این رابطه از ابتدا تاکنون پرداخته شده است. که یکی از معدود پژوهش‌های انجام گرفته با این وسعت و عمق است.

پس از انقلاب اسلامی

ــ حالا می‌رسیم به سال‌های نزدیک به انقلاب. ایران و شاه و صدام قرارداد الجزایر را امضا کردند و از این نظر مشکلی پیش آمد. انقلاب ایران هم در حال وقوع بود. سوریه در مورد انقلاب کجا ایستاده‌بود؟

از دو سال پایانی حکومت پهلوی در ایران و آغاز انقلاب، سوریه تقریباً تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد انقلابیان گذاشت. آن تلگرافی که آقای حافظ اسد در ماه‌های پایانی منتهی به انقلاب پس از تبعید امام به پاریس ارسال کرد که تمام امکانات در اختیار انقلابیان قرار بگیرد، نشان‌دهندهٔ این موضوع است. ازآنجاکه ذات انقلاب اسلامی ماهیت ضداسرائیلی و انقلابی دارد، با ماهیت نظام چپ‌گرای سوریه تجانس داشت. برای فهمیدن اینکه سوریه چگونه خود را با انقلاب اسلامی تعریف می‌کند، باید شرایط زیست سوریه در دورهٔ پیروزی انقلاب و بعد از آن را خوب بفهمیم. من چند پارامتر را عرض می‌کنم که اگر خوب درک نشوند، نمی‌توان فهمید چرا نظام سوریه به سمت ایران میل پیدا کرد و روابطش نسبت به زمان پهلوی گرم‌تر و صمیمی‌تر و قوی‌تر شد. اگرچه در دورهٔ حافظ اسد روابط ما استراتژیک نشد، ولی بمراتب قوی‌تر و مستحکم‌تر از روابط ایران پهلوی و سوریهٔ بعثی بود.

مسئلهٔ اول، تعارض و درگیری بین حزب بعث عراق و صدام است. صدام در سال ۱۹۷۹ تبدیل به غول و امپراتوری نفتی، مالی و نظامی شده؛ از لحاظ نظامی بسیار مجهز و از لحاظ اقتصادی بسیار ثروتمند و از لحاظ سیاسی به شدت مورد حمایت کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس قرار گرفت. بویژه پس از پیروزی انقلاب، به عراق و صدام به چشم دیگری نگاه می‌شد و در کشورهای عربی از آن به عنوان دروازهٔ شرقی و عامل مهارکنندهٔ ایران انقلابی شیعه یاد می شد. در ابتدای دهۀ ۷۰ حزب بعث در عراق حاکم شد، اما قدرت ۱۹۷۹ را نداشت. در سال ۱۹۷۹، عراق از حیث امکانات و اختیارات و تجهیزات و ثروت مالی بسیار قوی‌تر شد و حمایت سیاسی منطقه‌ای نیز دریافت کرد.

مسئلهٔ دوم، فضای کمپ‌دیوید است. در ماه‌های منتهی به انقلاب، قرارداد کمپ‌دیوید در سپتامبر ۱۹۷۸ امضا شد و مصر اولین کشوری بود که وارد باشگاه سازش با رژیم اسرائیل شد. در این شرایط، سوریه که هم‌پیمان مبارزه با اسرائیل بود، به شدت احساس تنهایی و انزوا کرد و اینکه در این نبرد تنها شده. بعد از آن، اردن نیز وارد فضای سازش شد و سوریه نیاز به عنصری موازنه‌ساز با رژیم اسرائیل که حال هم‌پیمان اصلی سوریه در نبرد را از او جدا کرده داشت. هیچکس بهتر از ایران انقلابی ضداسرائیلی در ابتدای دهۀ ۸۰ نبود.

نکتهٔ سوم، مسئلهٔ جنگ ایران و عراق است که در سال ۱۹۸۰ آغاز شد. سوریه احساس کرد که بلندپروازی‌های حزب بعث صدام گزافه و اشتباه نبوده و اگر صدام در جنگ با ایران پیروز شود، گزینه بعدی سوریه خواهد بود و آسیا به نوبت، نوبت به سوریه خواهد رسید. در آن دوره، سوریه کمک‌های تسلیحاتی به ایران ارائه داد و موشک‌های اسکاد را برای اولین بار در اختیار ایران قرار داد. همچنین قطع زنجیرهٔ نفتی عراق به سوریه؛ سوریه خطلولهٔ نفتی عراق به خود را قطع کرد که ضربهٔ سنگینی برای نظام صدام حسین بود. در این شرایط، سوریه نیاز به حامی اقتصادی و نفتی داشت؛ چراکه تا زمان قطع این خطلوله در ابتدای جنگ، سوریه نفت خود را از طریق پمپاژ نفت عراق به بانیاس تأمین می‌کرد و بخشی از آن را برای حق ترانزیت نفت برمی‌داشت. پس از اینکه سوریه خطلوله را بست، ایران عهده‌دار تأمین نفت سوریه شد. بخشی از این نفت را رایگان و بخشی را با تخفیف‌های ویژه در اختیار سوریه قرار داد. اینکه در ایران بسیار گفته می‌شود ایران نفت رایگان در اختیار سوریه قرار می‌داده درست است؛ اما معمولاً آن تکه‌اش که سوریه به خاطر ما نفت عراق را قطع کرد معمولاً گفته نمی‌شود. این شرایط عمومی سوریه است در این دورهٔ انقلاب و دورهٔ سال‌های نزدیک بعد از آن.

ــ این انتخاب بزرگی برای سوریه است. سوریه کشور ثروتمندی در دهۀ ۷۰ میلادی نبوده و هنوز هم نیست. منابع خاصی ندارد. قطع کردن لوله‌های نفت صدام و گذاشتن تخم‌مرغ‌هایش در سبد کشوری انقلابی مثل ایران که از نظر مالی هم در آن لحظه چیزی ندارد؛ این کشوری که اقتصادش با انقلاب روبرو شده، مسلم است که دچار بی‌ثباتی‌ها خواهد بود.

دقیقاً. فراتر از این، در واقع سوریه قمار بزرگی کرد که ایران انقلابی که ممکن است هر آن از درون فروبپاشد، از طریق کودتا و شورش خیابانی یا حملهٔ نظامی بیرونی. سوریه در این انتخاب خود قمار بزرگی کرد.

ــ ولی نگران کشورهای عربی نبود؟ نگران نبود که در جهان عرب منزوی شود؟ بالأخره سوریه در جنگ بین ایران و عراق که تمام جهان عرب بغل صدام رفته‌بود، کنار کسی می‌ایستد که هم عرب نیست –عجم به قول خودشان– هم تنها کشوری انقلابی‌ست که می‌خواهد نظم منطقه را به هم بزند. یعنی خودش را با قطر درمی‌اندازد، خودش را با بحرین درمی‌اندازد، با کویت، با امارات، با عمان (البته کمتر؛ با عمان در سال ۵۸-۵۹ مشکل داشت)، اصلاً با امارات، به شکلی مصر، با مراکش، با تونس. سوریه عملاً با پیوند زدن به ایران، خودش را از جهان عرب منزوی می‌کند. این هزینهٔ سنگینی است. بیشتر توضیح دهید چون با عقل جور در نمی‌آید.

آری، این را من عرض می‌کنم که سوری‌ها چه کردند. فرمایش شما درست است، اما سوری‌ها بسیار باهوش‌تر از این حرف‌ها هستند. من همیشه به دوستان می‌گویم که واقعاً ی‌گویند روس‌ها آمده‌اند و نظام سوریه را چنین و چنان می‌کنند. برخی حرف‌ها را نمی‌شود گفت، تبعاتی دارد؛ اما من کدهایی دارم که چطور نظام سوریه حتی با روس‌ها هم امروز بازی می‌کند.

فرمایش شما درست است از این جهت که سوریه هزینه‌های گزافی داد که خود را به ایران نزدیک کرد و ما این هزینه‌ها را در دهۀ ۹۰ و بویژه در دورهٔ بحران سوریه بعد از ۲۰۱۱ دیدیم: تنها خواستهٔ تمام کشورهایی که مخالفان و معارضان و مردم را به شورش و تظاهرات خیابانی تحریک می‌کردند، تنها چیزی که از آقای بشار اسد می‌خواستند، جدایی از ایران بود. به آقای بشار اسد مکرر می‌گفتند شما از ایران جدا شوید، ما تمام تظاهرات‌ها در خیابان‌ها را متوقف می‌کنیم و تحریک‌ها را پایان می‌بخشیم. فرمایش شما درست است. اما اینطور نبود که نظام سوریه کلاً روابطش را با محیط عربی خود قطع کند. من در ادامه می‌رسم به اینکه دینامیک‌ها و تضادهای داخل نظام سوریه چطور منجر می‌شد به اینکه بتواند همزمان هم با ما هم با عرب‌ها توازن ایجاد کند. در جایی به ما نزدیک می‌شد، در جایی به عرب‌ها. این شرایط عمومی سوریه بود.

اما ایران شرایطش چه بود در آن دوره؟ ایران بعد از انقلاب در شرایط هجمۀ کشورهای عرب سنی محافظه‌کار به ایران انقلابی عجمی شیعی بود. یعنی در هر سه مؤلفه شما در واقع دارای تضاد هستید و، مؤلفۀ چهارم مسئلهٔ مردم‌سالاری است؛ به هر حال در یک کشوری ما رفراندم برگزار کرده‌ایم و این الهام‌بخش مردم کشورهای منطقه می‌توانست باشد. در هر چهار مؤلفه، بین ایران و نظم سیاسی پیرامونی تضاد وجود داشت.

این بزرگترین تهدید هم بود؛ آن بعد شیعی و عجمی و انقلابی یک طرف، بُعد انتخابات و مردم و صندوق رأی یک طرف، آن هم برای نظامی که اصل موجودیت خود را به رفراندم گذاشت، نه مسئلهٔ انتخابات ریاست‌جمهوری یا... حال مسائل و اختلافات بعد ۵۸ را کنار بگذاریم. همین اتفاق در عراق هم افتاد، یعنی اصلی‌ترین عاملی که سعودی‌ها و خلیجی‌ها هجوم آوردند به عراق، موجی از صدها و هزاران انتحاری را روانهٔ عراق کردند، بیشتر از این که ترس از نفوذ ایران یا تشیع باشد، مسئلهٔ انتخابات بود. انتخابات وحشتی تمام‌عیار برای کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس بود. همین منطق باعث شد که نظام آقای مرسی را در مصر زمین بزنند، امروز نظام را در تونس زمینگیر کنند، در ۲۰۱۶ علیه آقای اردوغان در ترکیه عمل کنند. فارغ از اینکه نظام شیعی باشد یا سنی، انقلابی باشد یا غیرانقلابی، چپ باشد یا راست، هر نظام دمکراتیک در منطقه برای کشورهای حاشیهٔ خلیج فارس تهدیدی تمام‌عیار است؛ ازاین‌رو این کشورها باید یا سرنگون شوند یا ناکارآمد.

تغییرات سیاسی در کرانه باختری؛ آمادگی برای عصر پسا ابومازن

انتصاب روحی فتوح، رئیس مجلس قانون گذاری فلسطین به عنوان جانشین توسط «محمود عباس»، ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین بیشتر مانوری سیاسی از جانب وی برای تغییر در معادلات داخلی فلسطین همزمان با تحولات وسیع در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

به گزارش سایت عربی خبرگزاری تسنیم، انتشار بیانیه قانون اساسی «محمود عباس»، ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین که در آن «روحی فتوح»، رئیس مجلس ملی فلسطین را به عنوان رئیس موقت تشکیلات خودگردان فلسطین منصوب کرده است، موجی از جنجال را در میان اصحاب رسانه و چهره‌های برجسته سیاسی فلسطینی رقم زده است.

براساس این بیانیه در نبود محمود عباس، مسئولیت اداره تشکیلات برای مدت ۶۰ روز (تا زمان برگزاری انتخابات ریاست تشکیلات خودگردان) برعهده روحی فتوح خواهد بود.

این اقدام هم از منظر تحولات داخلی فلسطین و رقابت برای جانشینی محمود عباس دارای اهمیت است، چراکه شانس «حسین الشیخ» اصلی‌ترین گزینه جانشینی را تا حدی به چالش می‌کشد. از سوی دیگر برخی از این تحولات را در راستای برنامه‌های آمریکا برای تغییرات در تشکیلات خودگردان با هدف مهیا کردن این ساختار برای اداره غزه بعد از جنگ ارزیابی می‌کنند.

در همین زمینه «رمزی رباح»، عضو دفتر سیاسی جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین به خبرنگار خبرگزاری تسنیم در رام‌الله می‌گوید: معتقدیم این یک راه علاج جزئی و موقت است و ما در حال حاضر به راهکار جامع‌تری نیازمندیم. ما در سازمان آزادی بخش و تشکیلات خودگردان فلسطین نهادهایی داریم که باید به مسئولیت خود در زمینه قانونگذاری، شکل‌گیری، فعال‌سازی سازماندهی و تنظیم چارچوب‌های رهبری عمل کنند و به تمام امور این پرونده رسیدگی کند. بنابراین در موضوعاتی از این دست طبیعتا مجلس مرکزی فلسطین به عنوان نهاد قانونگذاری فلسطین در حال حاضر در غیاب مجلس ملی می‌تواند این نقش را ایفا کند.

به گفته ناظران، این اعلامیه ممکن است منجر به اختلاف نظر در مدیریت دولت فلسطین شود. این تحول همچنین ممکن است نتیجه فشار آمریکا، اسرائیل و اعراب در مرحله پس از تجاوز به غزه باشد. برخی نیز این تصمیم را گامی مقدماتی برای تشکیل کمیته اداری که ممکن است در آینده مدیریت نوار غزه را در دست گیرد، قلمداد می‌کنند.

«عصام بکر» از رهبران حزب ملت (الشعب) فلسطین به خبرنگار ما در کرانه باختری گفت: تعیین یک فرد در مقام معاون ریاست تشکیلات خودگردان در شرایطی است که چندین سال است نهادهای رسمی شورای ملی فلسطین تشکیل جلسه نداده‌اند. مجلس قانونگذاری هم محل اخذ تصمیمات ریاست تشکیلات است، در نتیجه تصمیم به انتصاب آقای روحی فتوح به عنوان معاون ریاست تشکیلات یا به عنوان رئیس تشکیلات گرفته شد، تا در صورتی که این پست به هر دلیلی خالی ماند به منظور پر کردن خلأ قانونی که ممکن است با ترک این منصب توسط ریاست تشکیلات به هر دلیلی ایجاد شود، پوشش داده شود.

با این حال در شرایط عدم برگزاری انتخابات و نبود مجلس قانونگذاری، وضعیت با پیچیدگی بیشتری همراه شده است.

شایان ذکر است که تصمیم اخیر ابومازن صراحتا با ماده ۳۷ قانون اساسی فلسطین مغایرت دارد که اذعان می‌دارد کرسی ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین در صورت فوت، استعفا یا عدم کفایت قانونی رئیس خالی باقی خواهد ماند. این ماده براساس رای دیوان عالی قانون اساسی و تصویب دوم سوم آرای نمایندگان مجلس قانونگذاری محقق خواهد شد.

به نظر می‌رسد این اقدام محمود عباس، ریاست تشکیلات نشان دهنده فشارهای کشورهای عربی و غربی است. با این حال، این تصمیم به معنای آن است که گردش قدرت در تشکیلات خودگردان فلسطین به درون این نهاد رسمی محدود شده و از ورود هر فردی خارج از چرخه این نظام سیاسی به قدرت جلوگیری خواهد شد.

نهادهای بین‌المللی برای احقاق حق کشورهای مستقل تشکیل نشده‌اند

ناصر دهقان

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع نقش مدیر کل آژانس بین المللی اتمی در پازل فشار غرب علیه ایران و با حضور دکتر ناصر دهقان کارشناس مسائل بین الملل به روی آنتن رفت.

ناصر دهقان با بیان اینکه نهادهای بین المللی ساخته و پرداخته قدرت‌های بزرگ هستند و در راستای منافع آنها شکل گرفته‌اند، گفت: سازمان ملل، شورای امنیت، آژانس بین المللی اتمی، شورای حکام و سایر نهادها با هدف تامین منافع قدرت‌های بزرگ پی‌ریزی شد.

وی افزود: اساس و پایه نهادهای بین المللی، یک جانبه گرایی و منفعت طلبی توسط قدرت‌های بزرگ بوده است و این را به عنوان یک باور در طول حیات انقلاب اسلامی درک کرده‌ایم زیرا در تمام حوادث مختلف کشورمان، این نهادها همواره به صورت یک جانبه علیه کشورمان عمل کرده بودند.

این کارشناس مسائل بین الملل با انتقاد از خوش بینی برخی مسئولان کشورمان به نهادهای بین المللی بیان کرد: بعضی افراد در ساختار سیاسی ایران این باور که نهادهای بین المللی توسط قدرت‌های بزرگ و برای تامین منافع آنها تاسیس و پی ریزی شده‌اند، دچار خدشه کرده‌اند. این افراد باور به این موضوع که نباید به نهادهای بین المللی از جمله آژانس بین المللی اتمی باور داشته باشیم را به همکاری با آنها تبدیل کرده‌اند و یک باور اشتباه را ترویج می‌کنند.

وی با اشاره به این موضوع که جمهوری اسلامی ایران بر اساس مولفه‌های یک نظام حاکم و مستقر، با نهادهای بین المللی از جمله آژانس بین المللی اتمی صادقانه برخورد کرده، اظهار کرد: ایران همواره مواضع خود را شفاف و روشن بیان کرده است اما تصمیم گیران و تصمیم سازان در نهادهای بین المللی، در راستای منافع خود و غرب موضع گرفته‌اند.

دهقان در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو به فراز و فرودهای برنامه هسته‌ای ایران در مواجهه با کشورهای غربی اشاره و بیان کرد: وزرای خارجه سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه در ابتدای دهه ۸۰ شمسی به ایران آمدند که به نشست سعدآباد معروف است. در پایان آن نشست، وزیر خارجه آلمان در یک بیان غیررسمی، صراحتا اعلام کرد انرژی هسته‌ای صلح آمیز را هم برای جمهوری اسلامی ایران صلاح نمی‌دانم. این سخن، موضع اساسی و بنیادین کشورهای غربی است که در پسِ نهادهای بین المللی از جمله آژانس بین المللی اتمی تصمیم سازی می‌کنند.

وی با تاکید بر اینکه باید باور کنیم نهادهای بین المللی به دنبال احقاق حق کشورهای مستقل نیستند، گفت: در طول بیش از دو دهه‌ای که پرونده هسته‌ای ایران مطرح بود، هر چقدر صادقانه برخورد کردیم، نتیجه‌ای به دنبال نداشت. مدیران کل آژانس بین المللی اتمی وقتی به ایران می‌آیند، اسناد و منابع در اختیار آنها گذاشته و اجازه بازدید داده می‌شود. آنها وقتی در ایران حضور دارند یک موضع اتخاذ می‌کنند اما وقتی پای خود را از کشورمان بیرون می‌گذارند، موضع دیگری را بیان می‌کنند.

این کارشناس مسائل بین الملل با اشاره به مواضع ضد و نقیض گروسی مدیر کل فعلی آژانس بین المللی اتمی عنوان کرد: او وقتی در ایران حضور داشت از همکاری همه جانبه جمهوری اسلامی ایران تشکر کرد اما وقتی در تعامل با قدرت‌های غربی قرار می‌گیرد، مواضع تکراری علیه ایران اتخاذ و در واقع فعالیت‌های هسته‌ای را مبهم و خطرناک توصیف می‌کند.

پیشخوان
Pishkhan.com

لجام‌گسیختگی قیمت ارز طی ۲ سال اخیر

مقیمی

دکتر مقیمی عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران در مصاحبه تلفنی با برنامه «صبح و گفت‌وگو» رادیو گفت‌وگو درباره تغییرات اخیر ارز اظهار داشت: تورم لجام‌گسیخته امروز توسط رسانه در حال پیگیری است. در حال حاضر دولتمردان به فکر ساماندهی این حوزه نیز افتاده‌اند و درخواست نظریه اقتصاددانان مستقل اولین قدم در این مسیر است به‌شرط آنکه اجرایی شوند چرا که اگر تنها در حد گفتگو باقی بماند تأثیری نخواهد داشت.

وی افزود: در دنیای آزاد اقتصاد امروز، دولت به همه ارزهای چندنرخی نداده و تولیدکننده را موظف به جوابگویی در مقابل ارزی که می‌دهد نکرده است.

در اقتصاد دستوری حداکثرهای قیمت‌های قانونی کالاها مشخص شده و دولت به‌عنوان مداخله در حوزه اقتصادی وارد می‌شود. درحالی‌که قیمت‌گذاری دستوری باید توسط نیروهای داخل بازار و عرضه و تقاضا تعیین شود.

مقیمی خاطرنشان کرد: در حال حاضر دولت ارز را به دستگاه‌های مدنظر خود و با قیمت‌های مختلف داده و برای خودش این اختیار را قائل شده که تولید آنها را چک کند. اما آیا واقعاً ارز به تولیدکنندگان واقعی داده شده است؟ مشکل آنجاست که تولیدکنندگان واقعی در بسیاری از موارد این ارزها را دریافت نکرده و برعکس آن را از بازار آزاد تهیه کرده‌اند.

باعث تأسف است که طی ۲ سال اخیر، ۷/۲ نرخ ارز افزایش‌یافته و نشان می‌دهد کنترلی روی آن صورت نگرفته و لجام‌گسیخته بوده است.

عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران در مصاحبه رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه امروز کشور دچار فقر ارزی شده گفت: مسئولیت این مسائل با نهادهایی است که از تولیدکننده برای تولید نهایی حمایت کردند. اما زمانی که تولیدکننده ارز لازم را ندارد، نمی‌تواند کارگر خود را تأمین کند و در نهایت مجبور به اخراج آن می‌شود. اما دولت هیچ حمایتگری از این حوزه نداشته است. کنترل کالاها نیز از دست خارج می‌شود و قیمت‌ها نیز از کنترل خارج شده و بازار سیاه ایجاد می‌شود. روند فعلی نمی‌تواند ارز را کنترل کند.
وی همچنین با اشاره به آثار منفی قیمت‌گذاری در صنعت خودروسازی اضافه کرد: سودآوری‌ها شکل نمی‌گیرد و صنایع دچار رکود می‌شوند. قطعی‌های برق نیز در تولید و سرمایه‌گذاری اثرگذار خواهد بود.

بنابراین قیمت‌گذاری دستوری یکی از مشکلات اقتصاد است و در بلندمدت ثروت جامعه را از بین برده، ایجاد رانت کرده و صنایع با متوقف می‌کند. تولید داخل نیز با چنین روندی شکل نخواهد گرفت.

به گفته مقیمی مردم امروز در مضیقه هستند و روزبه‌روز با بالارفتن نرخ دلار فقیرتر می‌شوند. دولت باید به این حوزه ورود کند و نباید تمام کاستی‌های فعلی را بر گردن دولت‌های قبلی بیندازد. باید این بحران را جراحی کنند و گوش شنوایی برای اقتصاددانان باشند. دولت باید تاوان این وضعیت را بدهد و تنها در تورم خلاصه نشود.

این شخصیت با اشاره به تخصیص ارز به حوزه دارو که باز هم منجر به ایجاد بازار سیاه شد مطرح کرد: کنترل قیمت به‌درستی شکل نمی‌گیرد. جامعه ایران همواره محجوب بوده و با کاستی‌ها سازگاری داشته؛ اما امروز به جایی رسیده که مردم محتاج نان شب خود شده‌اند. دولت باید راهکاری بیندیشد و از تیم‌های اقتصادی بهره ببرد. با درهای بسته نمی‌توان اقتصاد را کنترل کرد و باید سرمایه‌گذاری خارجی را وارد کشور کرد و از بخش خصوصی نیز کمک گرفت.

تحریرالشام چه خواهد کرد؟

نابودی ۸۵ درصدی اقتصاد سوریه در ۱۴ سال جنگ

اقتصاد سوریه طی نزدیک به ۱۴ سال جنگ داخلی، ۸۵ درصد کوچک‌تر شده است و زیرساخت‌های این کشور هم به‌طور گسترده تخریب شده است. این شرایط، تورم افسارگسیخته‌ای را به دنبال داشته و بازسازی آن نیازمند حمایت جهانی خواهد بود.

■ جنگ داخلی چگونه اقتصاد سوریه را نابود کرد؟

اقتصاد سوریه در سال ۲۰۱۱، زمانی که اعتراضات گسترده علیه بشار اسد آغاز شد و به یک شورش تبدیل شد، ارزشی معادل ۶۷.۵ میلیارد دلار داشت. این کشور در آن زمان در رتبه ۶۸ بین ۱۹۶ کشور از نظر تولید ناخالص داخلی قرار داشت و در سطح کشورهایی مانند پاراگوئه و اسلوونی بود.

طبق برآوردهای بانک جهانی، تا سال گذشته اقتصاد سوریه ۸۵ درصد کوچک‌تر شده و ارزش آن به ۹ میلیارد دلار رسیده است. این سقوط اقتصادی سوریه را در رده کشورهایی مانند چاد و فلسطین قرار داده است.

نزدیک به ۱۴ سال درگیری، تحریم‌های بین‌المللی و مهاجرت بیش از ۴.۸۲ میلیون نفر، که بیش از یک‌پنجم جمعیت این کشور را شامل می‌شود، تأثیر مخربی بر یکی از فقیرترین کشورهای غرب آسیا گذاشته است.

علاوه بر این، بیش از ۷ میلیون سوری، معادل بیش از ۳۰ درصد جمعیت، طبق گزارش دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) تا دسامبر همچنان در داخل کشور آواره هستند.

■ زیرساخت‌های ویران‌شده

درگیری‌ها به زیرساخت‌های این کشور آسیب جدی وارد کرده است. سیستم‌های برق، حمل‌ونقل و بهداشت سوریه به‌شدت تخریب شده‌اند. بسیاری از شهرها از جمله حلب، رقه و حمص شاهد ویرانی‌های گسترده‌ای بوده‌اند که بازسازی آن‌ها نیازمند زمان و منابع کلان است.

بازسازی اقتصاد و زیرساخت‌های سوریه نیازمند تلاش‌های مشترک ملی و بین‌المللی است. آینده این کشور به توانایی آن در جذب کمک‌های بین‌المللی، بازگشت جمعیت آواره و رفع تحریم‌های اقتصادی بستگی دارد.

■ تورم افسارگسیخته و فقر شدید

سال گذشته، سوریه شاهد تورم افسارگسیخته بود؛ تورمی بسیار بالا و فزاینده که در آن شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) نسبت به سال قبل دو برابر شد. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های سیاست‌گذاری سوریه (SCPR) که در ژوئن منتشر شد، بیش از نیمی از مردم سوریه در فقر مطلق زندگی می‌کنند و قادر به تأمین نیازهای اولیه غذایی خود نیستند.

■ تخریب دو ستون اصلی اقتصاد سوریه

دو بخش اصلی اقتصاد سوریه، یعنی نفت و کشاورزی، بر اثر جنگ نابود شده‌اند. اگرچه صادرات نفت سوریه در مقایسه با کشورهای دیگر غرب آسیا کوچک بود، اما در سال ۲۰۱۰ حدود یک‌چهارم درآمد دولت را تشکیل می‌داد. تولید مواد غذایی نیز سهم مشابهی در تولید ناخالص داخلی داشت.
در آغاز جنگ، دولت اسد کنترل بیشتر میادین نفتی خود را به گروه‌های شورشی از جمله داعش و بعداً به نیروهای کرد واگذار کرد. در همین حال، تحریم‌های بین‌المللی به شدت توانایی دولت در صادرات نفت را محدود می‌کرد.

تولید نفت در مناطق تحت کنترل دولت تا سال گذشته به کمتر از ۹۰۰۰ بشکه در روز کاهش یافت و کشور به شدت به واردات از ایران وابسته شد.

■ بازسازی اقتصاد سوریه چقدر طول می‌کشد؟

برخی از تحلیلگران هشدار داده‌اند که بازگشت اقتصاد سوریه به سطح تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۱۱ ممکن است نزدیک به ۱۰ سال زمان ببرد و بازسازی کامل این کشور به دو دهه زمان، نیاز داشته باشد.

پیش از شروع بازسازی شهرهای ویران‌شده و زیرساخت‌ها، بخش‌های نفتی و کشاورزی، نیاز به وضوح و شفافیت بیشتر در مورد دولت آینده سوریه احساس می‌شود. افزون بر این، هرگونه بی‌ثباتی سیاسی ممکن است چشم‌انداز اقتصادی سوریه را وخیم‌تر کند.

هیئت تحریر الشام (HTS)، گروهی که پیش‌تر با القاعده مرتبط بود و اخیرا کنترل پایتخت سوریه، دمشق، را به دست گرفت، اعلام کرده است که در حال کار برای تشکیل یک دولت جدید است.

■ تحریم‌های بین‌المللی و نگرانی‌ها درباره آینده

با این حال، تحریم‌های سخت بین‌المللی علیه سوریه همچنان برقرار است. HTS نیز به‌عنوان یک سازمان تروریستی توسط ایالات متحده و سازمان ملل تحریم شده است. کشورهای غربی و عربی نگران هستند که این گروه قصد داشته باشد اسد را با یک دولت اسلامی سخت‌گیر جایگزین کند.

درخواست‌های فوری برای لغو یا کاهش این تحریم‌ها مطرح شده است. با این وجود برداشته‌شدن تحریم‌ها ممکن است هفته‌ها یا ماه‌ها طول بکشد. دلینی سایمون، تحلیل‌گر ارشد گروه بحران بین‌المللی، در پستی در شبکه اجتماعی X نوشت که سوریه «یکی از شدیداً تحریم‌شده‌ترین کشورهای جهان است» و افزود که باقی گذاشتن این محدودیت‌ها مانند «کشیدن فرش از زیر پای سوریه در حالی است که تلاش می‌کند روی پای خود بایستد» است.

■ نگرانی سرمایه‌گذاران و سازمان‌های امدادی

بدون کاهش این محدودیت‌ها، سرمایه‌گذاران همچنان از ورود به این کشور جنگ‌زده اجتناب خواهند کرد و سازمان‌های امدادی نیز ممکن است برای ارائه کمک‌های حیاتی به جمعیت سوریه تردید کنند.

■ موضع‌گیری دولت‌ها

رئیس‌جمهور ایالات متحده، جو بایدن، در شب یکشنبه هشدار داد که سوریه با «دوره‌ای از خطر و عدم اطمینان» روبه‌رو است و اعلام کرد که آمریکا در صورت امکان کمک خواهد کرد. بایدن گفت: «ما با همه گروه‌های سوری، از جمله در فرآیند تحت رهبری سازمان ملل، برای انتقال از رژیم اسد به سمت سوریه‌ای مستقل و دارای حاکمیت با قانون اساسی جدید همکاری خواهیم کرد.»

از سوی دیگر، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده، در شبکه اجتماعی خود گفت که واشنگتن نباید در این موضوع دخالت کند.

■ وضعیت میادین نفتی و گاز سوریه

یکی از اولویت‌های بازسازی سوریه، استان دیرالزور در شرق کشور است که حدود ۴۰ درصد از ذخایر نفتی و چندین میدان گازی سوریه را در خود جای داده است. این استان در حال حاضر تحت کنترل نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) است که مورد حمایت آمریکا هستند.

■ واکنش به مسئله پناهجویان سوری

در حالی که چندین کشور اروپایی گفتند درخواست‌های پناهندگی اتباع سوری را به حالت تعلیق درآورده‌اند، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل خواستار «صبر و هوشیاری» درباره بازگشت پناهجویان شد.

اتریش فراتر از سایر کشورهای اروپایی عمل کرده و اعلام کرد که در حال آماده‌سازی «برنامه بازگرداندن و اخراج منظم» برای شهروندان سوری است.
(منبع: دویچه‌وله)

برق از سر تولید پرید

کمیسیون صنعت اتاق ایران، ضرر و زیان ناشی از قطع برق واحدهای تولیدی را محاسبه کرده و در گزارشی با اشاره به شیوه محاسبات خود، نتیجه را منتشر کرده است.
براساس این گزارش، برای ارزیابی تکانه‌های وارده ناشی از قطعی برق بر بخش‌های مختلف اقتصادی می‌توان از سه شاخص به شرح ذیل استفاده کرد (برای محاسبه این سه شاخص از داده‌های جداول داده-ستانده و حساب‌های ملی استفاده شده است):
۱- شدت تکانه قطعی برق درون بخش (یا رشته فعالیت): این شاخص شدت کاهش ارزش ستانده ناشی از قطعی برق را درون بخش (یا رشته فعالیت اقتصادی) اندازه‌گیری می‌کند (جهت سهولت در تحلیل، کمترین تکانه وارده عدد ۱ در نظر گرفته شده و سایر تکانه‌ها به نسبت آن استاندارد شده‌اند).

برای مقایسه نسبی هر دو بخش، می‌توان عدد تکانه آن‌ها را بر هم تقسیم کرد. برای مثال شدت تکانه قطعی برق بخش صنعت ۱۶ برابر تکانه وارده به بخش عمده فروشی و خرده فروشی است (۱۶ حاصل تقسیم عدد ۲۹۷ بر ۱۹ است).

۲- شدت تکانه وارد بر کل اقتصاد ناشی از تکانه وارده بر هر بخش (یا رشته فعالیت): این شاخص شدت کاهش تولید ناخالص داخلی در کل اقتصاد را ناشی از قطعی برق هر بخش (یا رشته فعالیت) تعیین می‌کند که از طریق رابطه ذیل قابل محاسبه است (جهت سهولت در تحلیل، کمترین تکانه وارده عدد ۱ در نظر گرفته شده و سایر تکانه‌ها به نسبت آن استاندارد شده‌اند).
شدت تکانه وارد بر کل اقتصاد ناشی از تکانه وارده بر هر بخش (یا رشته فعالیت) = شدت تکانه قطعی برق درون بخش (یا رشته فعالیت) × سهم بخش (یا رشته فعالیت) در تولید ناخالص داخلی
برای مقایسه نسبی هر دو بخش، می‌توان عدد تکانه آن‌ها را بر هم تقسیم کرد. برای مثال شدت تکانه وارد بر کل اقتصاد ناشی از قطعی برق بخش صنعت ۲۳ برابر تکانه وارده بر کل اقتصاد ناشی از قطعی برق بخش عمده فروشی و خرده فروشی است (۲۳ حاصل تقسیم عدد ۶۶۴۵۵ بر ۲۸۸۵ است).
۳- ضرر اقتصادی بخش به ازای هر روز عدم فعالیت (میلیارد تومان): این شاخص میزان خسارت هر روز عدم فعالیت بخش‌های اقتصادی را بر اساس سهم آن‌ها از تولید ناخالص داخلی سال

۱۴۰۲ نشان می‌دهد. برای نمونه میزان خسارت قطعی هر روز برق صنعت برابر با ۵۸۴۳ میلیارد تومان (به قیمت سال ۱۴۰۲) است که با در نظر گرفتن تورم سال جاری، این رقم تا حدود ۸ هزار میلیارد تومان برای سال ۱۴۰۳ قابل برآورد است.

موفقیت فیلم تالی در ارائه تصویر مادر معاصر از طبقه متوسط اجتماعی

مهران زارعیان

مهران زارعیان منتقد سینما در مصاحبه حضوری با برنامه سینما زاویه رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع فیلم تالی اثر جیسون رایتمن گفت: فیلم تالی روزمرگی‌ها و کلافگی‌های یک مادر میانسال را نشان می‌دهد و در این مورد موفق بوده است.

وی با اشاره به اینکه فیلم تالی زنانگی مستتر در داستان را به‌خوبی ترسیم کرده است افزود: این فیلم در مورد فرهنگ اروپایی و آمریکایی مانور نمی‌دهد و تصویری از مادر معاصر طبقه متوسط شهری را به نمایش می‌گذارد.

زارعیان تصریح کرد: در فیلم زنی را می‌بینیم که به بحران میانسالی رسیده و احساس می‌کند به اهداف تحصیلی و فردی نرسیده است. فیلم به‌خوبی جزئیات مادر بودن را نمایش می‌دهد؛ اما همسر زن در فیلم تالی در سطح عام باقی‌مانده است.

منتقد سینما در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: یکی از چالش‌های مادر، بزرگ کردن فرزند است. مسئله رانندگی مادر با دو فرزندی که یکی از آنها اختلال رفتاری دارد و سومی نوزاد است خود چالش در فیلم است. فیلم کلیشه مطلق نیست؛ اما کار فوق‌العاده و خاصی هم نیست.
وی افزود: مسئله بازگشت به محله قدیمی ایده جالبی است و می‌خواهد صلح با خود را نشان دهد. پرستار در فیلم خیالی است؛ اما منطق فیلم در مورد خیالی بودن پرستار در برخی مواقع به هم می‌ریزد.

زارعیان با بیان اینکه ایده سفر به گذشته جالب و موفق است گفت: ضعف فیلم این است که تکلیفش با خیالی بودن پرستار مشخص نیست. فیلم ایده‌های قشنگی دارد؛ اما عمق لازم را به ایده‌ها نداده است شاید بازبینی فیلم‌نامه عمق آن را بیشتر می‌کرد اما بازی شارلیز ترون در فیلم بسیار عالی است.

«خیابان سسمی» با هزینه ۲۰ میلیون دلاری آمریکا به عراق می‌رود

دولت جو بایدن ۲۰ میلیون دلار برای تولید نسخه عراقی برنامه «خیابان سسمی» که «أهلا سمسم» نام دارد تخصیص می‌دهد. این برنامه با هدف ترویج همه‌شمولی، درک و احترام متقابل میان گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی و نژادی ساخته می‌شود.

دولتمردان ادعا می‌کنند که جوانان عراقی به دلیل اقتصادی متأثر از جنگ و فساد امکان یافتن شغل را ندارند و در معرض رادیکالیزه شدن قرار گرفته‌اند. به همین دلیل باید ۲۰ میلیون دلار از مالیات مردم آمریکا را برای تربیت ۴۸۰ جوان در مهارت‌های نرم، ۴۶۰ نفر در فیلمسازی و ۳۱۰ نفر را در مهارت‌های بنیادین و اولیه هزینه شود.

این بودجه برای اجرای یک کمپین آگاهی‌بخشی در پنج مدرسه استان کرکوک جهت افزایش آگاهی درباره تغییرات اقلیمی و بیابان‌زایی در میان جوانان عراقی استفاده خواهد شد.

سالی که نکوست از سینمایش پیداست

ایمان عظیمی

حال سینمای جهان در سال رو به اتمام ۲۰۲۴ چندان خوش نبود؛ این واقعیت را می‌توان با نگاه به آثار و عناوین منتشرشده در طول سال احساس کرد. البته نباید از ذکر این نکته شانه خالی کرد که ضعف آثار سینمایی در این دوره و زمانه امر چندان غیرعادی‌ای به‌نظر نمی‌رسد. سینما دیگر آن شور و طراوت سابق در دهه ۹۰ میلادی و ایام پیش از آن را ندارد، چون جهان دیگر جهان سابق نیست و تغییرات مداوم در سبک زندگی غربی، سینما را هم بی‌نصیب نگذاشته است. اکنون بهار سریال‌سازی در این دنیای فست‌فودی است و هیچ چیز به اندازه این مدیوم نمی‌تواند نظر نسل جدید را به هنر رقیق‌شده و کم‌کارکرد نمایش جلب کند. با وجود این، سینمای ۲۰۲۴ چند عنوان مهم و قابل بحث دارد که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد. در میان سازندگان آثار مهم سینمایی سال، نام افراد اسم و رسم‌داری نظیر «کلینت ایستوود»، «ریدلی اسکات»، «شان بیکر»، «بردی کوربت»، «دنی ویلنوو»، «جرج میلر»، «ژاک اودیار»، «تیم برتون» و «تاد فیلیپس» هم به چشم می‌خورد. در گزارش پیش رو به آثار پرسروصدای سال ۲۰۲۴ اشاره خواهیم کرد؛ سالی که برای ما ایرانیان هم خالی از شگفتی و تعجب نبود.

کلینت ایستوود و زمانه ما

گذر عمر و ورود کلینت ایستوود به دهمین دهه زندگی‌اش باعث نشده که او دست از سر ساخت فیلم و دنیای سینما بردارد و در کنج عزلت پنهان شود. ایستوود اکنون ۹۴ ساله است و اشتیاقش برای تکیه زدن روی صندلی کارگردانی کم از یک جوان سی‌ساله ندارد. «هیئت‌منصفه شماره ۲» جدیدترین اثر این فیلمساز کهنه‌کار و جمهوری‌خواه سینمای آمریکاست که هالیوود چندان شانسی برای حضور موفق آن در فصل جوایز سینمایی قائل نیست. اتفاقی که به جمهوری‌خواه بودن ایستوود و فاصله‌ای که دیدگاه‌های سیاسی‌اش با اغلب هالیوودی‌ها دارد برمی‌گردد و پر بی‌راه هم نیست که درام دادگاهی این فیلمساز کارکشته آن‌طور که شایسته است مورد مهر و علاقه سینماگران مضمون‌زده و بی‌پرنسیب قرار نگیرد. اما از شواهد امر چنین برمی‌آید که هیئت‌منصفه شماره ۲ در میان مخاطبان به‌خوبی دیده و پسندیده خواهد شد چون اثری است که مانند درام‌های دادگاهی اصیل تاریخ سینما بیننده‌اش را به دیدن خود فراخوانده و روی صندلی میخکوب می‌کند. جاستین کمپ (نیکلاس هولت) در قامت یک روزنامه‌نگار به خدمت دادگاه درمی‌آید و عضو هیئت‌منصفه می‌شود. در این بین او وارد پروسه رسیدگی به یک پرونده قتل می‌شود و به این که شاید خودش هم در این جریان دخالت داشته باشد شک می‌کند. براساس اخباری که پیش‌تر به بیرون درز کرد، هیئت‌منصفه شماره ۲ اولویت کمپانی برادران وارنر (شرکت تولیدکننده فیلم) برای شرکت در فصل جوایز سینمایی سال ۲۰۲۴ نبود و حتی ابتدا قرارش با فیلمساز پیرانه‌سر ما این بود که این اثر را بدون اکران در سینماها مستقیماً روانه پخش در سرویس‌های پخش استریم فیلم کند ولی درنهایت تصمیم گرفت تا به‌شکل محدود این فیلم را در سینماها نیز به نمایش عمومی دربیاورد. اما مردم بریتانیا به درام ساده و خوش‌ساخت ایستوود روی خوش نشان دادند و به تماشایش نشستند. هیئت‌منصفه شماره ۲ در بیش از سیصد سالن سینما اکران شد و در آخر هفته افتتاحیه ۵ میلیون دلار در شش منطقه از دنیا به جیب زد.

سینمای مستقل آمریکا زنده است

این درست نیست که سینمای آمریکا را فقط از منظر جریان اصلی آن مورد بررسی قرار دهیم چون با حجم زیادی از آثار در قالب‌ها و دسته‌بندی‌های متفاوت روبه‌رو هستیم و «هالیوود» تمام اندوخته آمریکایی‌ها از مدیوم سینما نیست و تنها ویترین قضیه است. با این‌حال، جریان مستقل از وجود افراد مهم و تأثیرگذار در روند تاریخ سینمای آمریکا بهره‌های فراوانی برده است. یکی از مهم‌ترین چهره‌های حال حاضر سینمای آمریکا، «شان بیکر» است که کارش را ابتدا با ساخت فیلم‌های کوتاه و مستقل در سال ۲۰۰۰ شروع کرد و درنهایت با فیلم tangerine در سال ۲۰۱۵ مشهور و معروف شد. رویکرد بیکر در آثارش به واقع‌گرایی اجتماعی نزدیک است و به‌شدت به مسائل مربوط به حاشیه‌نشینان و همچنین افراد فقیر، زنان بدسرپرست و کارگران جنسی علاقه نشان می‌دهد. «آنورا» جدیدترین فیلم بیکر هم از قاعده کلی شاکله آثار بیکر چه در مضمون و چه در ساختار دور نیست. ماجرای فیلم به‌گونه‌ای است که پس از پایان جنگ سرد دوباره سوژه روسیه و الیگارش‌های آن را در کانون توجه قرار می‌دهد تا نگاهی هم به جوایز سینمایی داشته باشد. نگاهی که کارساز بود و نخل طلای جشنواره کن ۲۰۲۴ را برای بیکر به ارمغان آورد. البته فیلم در میان منتقدان هم به‌خوبی دیده و پسندیده شد و شائبه و اتهام سیاسی بودن صرف را از دامان آنورا پاک کرد. این احتمال وجود دارد که فیلم جدیدشان بیکر حسابی در جشن‌هایی نظیر اسکار، بفتا، گلدن‌گلوب و... غوغا برپا کند و به یک اثر کالت تبدیل شود. شان بیکر پیش از این در انجمن منتقدان فیلم لس‌آنجلس هم خوش درخشید و جایزه بهترین کارگردانی، بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه را نیز به خانه برد.

جوکر ۲؛ هیاهویی برای هیچ

هرگز کسی همچون «تاد فیلیپس» این‌گونه به تخریب بنای باشکوه «جوکر» برنخاست. قسمت اول فیلم سینمایی جوکر در سال ۲۰۱۹ اکران شد و دو جریان موافق و مخالف را به جان هم انداخت. بسیاری این‌طور عنوان می‌کردند که جوکر بنایی ناهمساز است و میان اجزای ساختمان دراماتیکش چندان چفت‌وبستی وجود ندارد ولی باز با وجود این فیلم به‌خاطر حضور واکین فینیکس در نقش جوکر تبدیل به اثری خوش‌ساخت و دیدنی شده است ولی فیلیپس در ساخت قسمت دوم جوکر تقریباً به جز تارانتینو و یکی دو کارگردان سرشناس دیگر همه را سرخورده کرد. فیلم در جشنواره ونیز با برخورد سردی مواجه شد و در اکران هم آن‌طور که انتظار می‌رفت با خیلی عظیم استقبال‌کنندگان روبه‌رو نشد. منتقدان مدام به این مسأله اشاره می‌کردند که فیلیپس با روایت جوکر؛ جنون مشترک به اصل ماجرای جوکر خیانت کرده و به جای روایت یک داستان مهیج، از این کاراکتر آیکونیک و ضدقهرمان عاصی شخصیتی عاجز و روانی ارائه داده است که از پس هیچ کاری برنمی‌آید. اکران جوکر با هیاهوی فراوان آغاز شد و با سردی هرچه‌تمام‌تر به پایان رسید تا کار فیلیپس هم با شخصیت جوکر عملاً به نقطه پایان برسد.

سیاسی باش تا کام‌روا شوی

باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق ایالات‌متحده چند روز پیش بنا به سنت گذشته فهرستی از فیلم‌های موردعلاقه سالش را منتشر کرد که نام «دانه انجیر معابد» هم در آن به چشم می‌خورد. اثر جدید محمد رسول‌اُف مانند بقیه فیلم‌هایش به‌شدت ایدئولوژیک و آغشته به اظهارنظرهای گاه‌وبی‌گاه سیاسی است؛ به‌طوری‌که همین مسأله به نقطه عزیمت و بردش هم در جشنواره‌های مضمون‌زده تبدیل شده و برای کارگردانش اعتباری بیش از قد و قواره او به وجود آورده است. حتی در بسیاری از پیش‌بینی‌ها نام این فیلم در میان نامزدهای نهایی بهترین فیلم در بخش خارجی اسکار هم دیده می‌شود و برخی هم کسب جایزه توسط رسول‌اُف را دور از ذهن نمی‌بینند. این اتفاق تازه‌ای نیست و جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در غرب به‌شدت به مضامین موردپسندشان واکنش مثبت و حتی اغراق‌آمیز نشان می‌دهند، ولی احتمال حضور فیلم جدید محمد رسول‌اُف در بین آثار منتخب جشن اسکار به‌عنوان مهم‌ترین جشن سینمایی سال ممکن است بیش از گذشته به اعتبار این مراسم خدشه وارد کند و مسأله صنعت و هنر فیلم را از موضوعیت بیندازد. دانه انجیر معابد در لحظات آخر وارد بخش مسابقه جشنواره کن شد ولی مدیران این فستیوال حداقل‌ها را رعایت کردند و با اهدای جوایز بی‌ربط به فیلم بی‌ربط‌تر و بسیار بد کارگردان فارسی‌زبان خودشان را مضحکه تاریخ سینما نکردند. دانه انجیر معابد شاید در اسکار امسال هم خوش بدرخشد ولی دیگران خیلی زود آن را به باد فراموشی خواهند سپرد و درهای خروج از ذهن را برایش باز خواهند کرد.

سینما همچنان تیم برتون را دوست دارد

تیم برتون، نابغه میانسال سینمای جهان همچنان با فیلم‌هایش دلربایی می‌کند و میان سینه‌فیل‌ها و خوره‌های فیلم کیاوبیایی دارد. او سال ۲۰۲۴ را با اکران قسمت دوم «بیتل جویس» شروع کرد و به‌خوبی هم توانست برای فیلمش در بین منتقدان تبلیغ کند. اما دلیل اصلی شور و اشتیاق مخاطبان برای تماشای بیتل جویس ۲ به یک فاکتور دیگر هم برمی‌گردد؛ بسیاری از دوستداران جهان تخیلی و فانتزی برتون منتظر بودند تا ببینند این کارگردان با خاطراتشان از قسمت اول این فیلم چه کرده است و به همین علت هم پس از شنیدن خبر اکران عمومی جلوی سالن‌های سینما صف کشیدند. بیتل جویس ۱ در سال ۱۹۸۸ ساخته شد و قصه‌اش درمورد زوج جوانی بود که پس از مرگ مجبور شدند در دنیای ما باقی بمانند و در این مسیر با بیتل جویس، یک روح خبیث و حیله‌گر همراهی کنند. برتون با اکران قسمت جدید بیتل جویس توانست دومین افتتاحیه بزرگ تاریخ سینما در ماه سپتامبر را به خودش اختصاص دهد و بعد از اثر اقتباسی «آن» در سال ۲۰۱۷ با فروش ۱۱۰ میلیون دلاری در سه روز بسیاری را شگفت‌زده کند؛ این اتفاق درحالی رقم خورد که بودجه ساخت قسمت دوم دنباله بیتل جویس ۱۰۰ میلیون دلار گزارش شده بود.

انگلیسی بدپیله

«ریدلی اسکات» را با شکست‌های مالی و نقدهای منفی نوشته شده در این سال‌ها به یاد نیاورید. او روزگاری یکی از مهم‌ترین چهره‌های سینمای هالیوود و جهان بود و با آثارش در صدر مجلس قرار می‌گرفت ولی اکنون دیگر در شرف ورود به دهمین دهه از زندگی از کانون توجهات خارج شده و کمتر کسی در میان منتقدان و مخاطبان آثار او پیدا می‌شود که نسبت به کیفیت پایین فیلم‌های جدیدش اظهارنظر نکرده باشد. باری، اسکات سال ۲۰۲۴ را هم همچون سال پیش با اکران یک فیلم بیگ پروداکشن به پایان برد و برای چند صباح هم که شده در متن اخبار سینمایی جای گرفت. پروژه جاه‌طلبانه این کارگردان انگلیسی در سال ۲۰۲۳ فیلم «ناپلئون» بود که با استقبال بسیار سرد تماشاگران و منتقدان مواجه شد و لج فرانسوی‌ها را هم درآورد. او ولی از این شکست درس نگرفت و فوراً فیلمبرداری قسمت دوم فیلم پرخاطره گلادیاتور را آغاز کرد. گلادیاتور ۲ این‌بار بدون حضور راسل کرو روانه نمایش عمومی شد و موافقان و مخالفانش را جلوی هم به صف کرد. فیلم اگرچه با فروش نسبتاً پایین ۲۵۰ میلیون دلاری در سطح جهانی -و نه فقط آمریکا- مسئولان استودیوی فیلمسازی تونی سنچری را به این نتیجه رساند که فعلا برای سرمایه‌گذاری در پروژه بعدی اسکات، یعنی «ستاره سگی» دست نگه دارند ولی آن‌طور که انتظار می‌رفت بد نبود و حتی «کریستوفر نولان» را به تعریف از جذابیت‌های بصری واداشت تا گلادیاتور ۲ چندان هم در فصل جوایز سینمایی بدون شانس باقی نماند، حداقل در بخش‌های فنی.

سینما دیگر همچون گذشته جذاب نیست

ما سال‌هاست که از روزهای اوج صنعت سینما فاصله گرفته‌ایم. این پدیده جذاب با تمام شدن ایده‌های تصویری و روایی دیگر شاید برای خیل عظیم جوانان جذاب نباشد و آن‌ها برای سرگرم شدن رسانه‌ها و مدیوم‌های دیگری نظیر اینستاگرام، تیک‌تاک و... را به دلیل سهولت در دسترسی و حتی به‌عنوان راهی برای درآمدزایی به سینما ترجیح دهند. حتی فضا و اتمسفر سریال‌سازی هم در مقایسه با این برادر بزرگ‌تر محیط جذاب‌تری را در اختیار مخاطبانش می‌گذارد و آن‌ها را به دلیل بزرگ شدن در محیطی که داستان‌های کمتری برای ارائه دارد به سمت یک زیست تماماً فست‌فودی و منطبق بر شیوه توزیع سرگرمی جلب می‌کند. در سوی دیگر ماجرا، بسیاری از سینماگران سرشناس آمریکایی دیگر تمایلی به تولید آثار سینمایی ندارند و بیشتر تلاش خود را صرف حضور در زمین بازی تلویزیون به‌عنوان برادر کوچک‌تر سینما می‌کنند. با نگاه به فهرست فیلم‌های مهم سال ۲۰۲۴ با واقعیت خالی شدن عرصه از نام‌های بزرگ روبه‌رو می‌شویم و از خلال آن به یک حقیقت تلخ می‌رسیم؛ سینما نه‌تن‌ها در این سال‌ها کوچک و از اسامی بزرگان خالی شده، بلکه افراد مهم و تأثیرگذاری هم به این صنعت اضافه نشده‌اند تا از بار آثار مضمون‌زده و بی‌خاصیت کم کنند و سینما را به‌مثابه هنر یک درجه ارتقا دهند. سینما نمرده است ولی دیگر رنگ و طراوت پیشین را ندارد و سال ۲۰۲۴ هم از این قاعده جدید مستثنی نیست.

پیشخوان
Pishkhan.com

سینما تصویر درستی از شمایل مادر ایرانی ارائه نداده است

منصوره سادات مرتضوی

دکتر منصوره سادات مرتضوی مدیر پژوهشکده زن و خانواده در مصاحبه حضوری با برنامه سینما زاویه رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع شمایل مادر در سینمای ایران گفت: در کشور ما خانواده ارزشمندی ویژه‌ای دارد و پدر و مادر قهرمانان مهم زندگی فرزندان هستند.
وی با بیان اینکه نقش‌زن در جامعه ایرانی تغییر پیدا کرده افزود: از زمانی که فعالیت و نقش زنان در جامعه بیشتر شد مادر هویتی مستقل و زنانه‌تر به خود گرفت و دیگر چهره اصیل و مهربان مادری که سراسر مهربانی و عاطفه و مظلومیت است تبدیل به چهره زنی شده که به دنبال خواسته‌های فردی خود است.
مرتضوی با اشاره به اینکه ما در دهه‌های اخیر چهره مادری را در سینما می‌بینیم که برای رسیدن به رویاهای خود فرزند خود را تنها گذاشته و به خارج از کشور می‌رود تصریح کرد: در برخی از فیلم‌ها خشونت‌های وحشتناک از مادر می‌بینیم که جایگاه و نقش پدر را قبول ندارد و اقتدار پدر را به رسمیت نمی‌شناسد.
وی با بیان اینکه حتی در سینمای هالیوود فیلم‌هایی می‌سازند که قهرمان اصلی پدر و مادر باشند اظهار کرد: در دهه‌های اخیر چهره‌ای که از مادر در سینمای ایران نمایش‌داده‌شده بازنمایی درستی از خانواده ایرانی نیست که ما بتوانیم به آن افتخار کنیم.
مدیر پژوهشکده زن و خانواده در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو مطرح کرد: دو نوع نگاه در سینما در مورد مادر داریم یکی نگاه اسطوره‌ای و نگاه دیگر واقعیت‌گراست. اگر ارزش‌های ثابت و همیشگی در مورد زن و مادر نسبی شوند ما دچار بحران می‌شویم. کارکرد خانواده نشاط‌آفرین است و ما کمتر فیلمی در سینما می‌بینیم که به خانواده‌ها برای تشکیل خانواده انگیزه دهد.
مرتضوی گفت: نقش و جایگاه بانوان را باید در خانواده ببینیم که یا دختر هستند یا همسر و یا مادر. نقش‌های اجتماعی را باتوجه‌به فضا و حمایت خانواده می‌توان پیش برد. ما در نشان‌دادن چهره درست مادر در سینما ضعف داریم. تصویر مادر در خانواده ایرانی را به‌درستی در سینما نمی‌بینیم.
مدیر پژوهشکده زن و خانواده در آخر افزود: نسل امروز ما در ارتباط با والدین عموماً مشکل دارند. سینما ابزاری است که بسیار در جامعه اثرگذار است. من مخالف تولید فیلم در ژانرهای مختلف نیستم؛ اما نقص ما در سینما این است که تولیدات بر اساس ارزش‌های ایرانی و تمدنی ساخته نمی‌شود.

بصیرت زنان موجب آرامش خانواده و جامعه می‌شود

مینو اصلانی

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص اثرات بصیرت در حوزه خانواده و جامعه با مینو اصلانی کارشناس مسائل فرهنگی به صورت تلفنی گفتگو کرد.

مینو اصلانی بصیرت را داشتن آگاهی در ابعاد مختلف در پی مطالعه‌های گسترده و یک طرفه قضاوت نکردن دانست و گفت: بصیرت یعنی صرفا به یک بخش موضوع توجه نکنیم و به همه ابعاد آن توجه داشته باشیم. در حقیقت بصیرت کمک می‌کند به موضوعات از همه زوایا بپردازیم و امور مختلف را سبک و سنگین کنیم.
وی تصمیم گیری بر اساس آگاهی را نشانه بصیرت افراد در جامعه دانست و اظهار کرد: بصیرت به افراد کمک می‌کند تصمیمات آنی و عجولانه نگیرند و بر اساس عقلانیت، منطق و واقعیت در خانواده و محیط اجتماعی تصمیم بگیرند.

این کارشناس مسائل فرهنگی از اهمیت بصیرت بانوان گفت و بیان کرد: بصیرت بانوان از جایگاه بالاتری برخوردار است زیرا یک زن به عنوان مادر خانواده، همسر یا دختر نقش ویژه و محوری دارد. اگر زن یک خانواده آگاهی لازم را نسبت به تربیت فرزندان داشته باشد، می‌تواند از رخدادهای پیرامون خود یک فرصت بسازد تا اگر مشکلی برای خانواده پیش بیاید، بتواند آن را مدیریت کند.
وی بصیرت زنان را موجب آرامش خانواده دانست و تصریح کرد: آرامش خانواده منتج به آرامش جامعه می‌شود. اگر زن بتواند خانواده را اداره و مدیریت کند و اهمیت تربیت فرزند را در پایایی خانواده درک کند می‌تواند به ایجاد یک جامعه پویا و فراگیر کمک کند.

این کارشناس مسائل فرهنگی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو اشاره کرد: فرزندان به نشاط و پایداری خانواده کمک می‌کنند و وقتی بزرگ می‌شوند مانند یک ستون محکم، برای یکدیگر پشتوانه هستند. از سوی دیگر خانواده‌هایی که فرزند ندارند یا تک فرزند هستند در آینده از پشتوانه فامیلی و خانواده گسترده محروم می‌شوند زیرا خیلی از مفاهیم همچون عمه، خاله، دایی و عمو برای فرزندان آینده آنها قابل درک نخواهد بود و تبدیل به افسانه می‌شود.

تفسیر دورنمات از پیچیدگی‌های انسانی و اجتماعی

کتاب «بازی استریندبرگ» نوشته فریدریش دورنمات و ترجمه علی نجیمی با ۸۴ صفحه به همت انتشارات یکشنبه منتشر شده است.

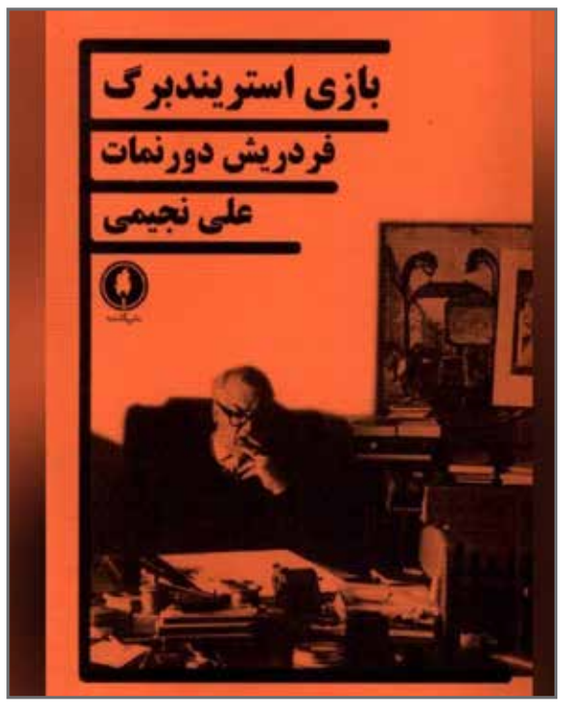

فریدریش دورنمات، نویسنده و نمایشنامه‌نویس سوئیسی، با اقتباس از نمایشنامه مشهور «رقص مرگ» آگوست استریندبرگ، اثر جدیدی با نام «بازی استریندبرگ» خلق کرده است. این اثر، نه تنها یک بازنویسی ساده از متن اصلی، بلکه تفسیر نوآورانه و جسورانه‌ای از مفاهیم و مسائل مطرح‌شده در آن نمایشنامه است. دورنمات با حفظ اصول دراماتیک استریندبرگ، نگاهی تازه به روابط انسانی، قدرت و محدودیت‌های موجود در جامعه می‌اندازد و این گونه اثر خود را از یک تئاتر تراژیک به یک کمدی سیاه با ابعاد انتقادی عمیق تبدیل می‌کند.

در «بازی استریندبرگ»، داستان در قالب یک زندگی زناشویی متلاشی‌شده روایت می‌شود. زوجی که سال‌ها در یک جزیره دورافتاده با هم زندگی کرده‌اند، هر دو درگیر بحران‌های عاطفی و روانی هستند و زندگی مشترکشان به میدان جنگی بی‌پایان تبدیل شده است. این زوج، مردی و زنی که در معرض کشمکش‌های شدید روان‌شناختی قرار دارند، به شکل پررنگی شخصیت‌های درون‌گرا و عصبی‌اند که بحران‌های زناشویی خود را در قالب جدال‌های مداوم با یکدیگر بیرون می‌ریزند. اما ورود یک مرد غریبه که خود را از اقوام زن معرفی می‌کند، زندگی‌شان را به سمت نقطه بحرانی جدیدی هدایت می‌کند. این مرد، در واقع عاملی است که به شدت روابط این دو نفر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و راه را برای جدایی آن‌ها هموار می‌سازد.

این داستان که محور آن کشمکش‌های درونی و اجتماعی میان شخصیت‌هاست، در دستان دورنمات به یک نمایش درخشان و پیچیده تبدیل می‌شود که به تحلیل قدرت، عشق و مرگ می‌پردازد. برخلاف نمایشنامه‌های سنتی که سعی در برقراری نوعی توازن در روابط دارند، «بازی استریندبرگ» یک درام پیچیده و بدون توازن است که در آن هیچ چیزی نمی‌تواند شخصیت‌ها را از مسیر نابودی خود بازدارد. دورنمات در این اثر به شکلی ماهرانه از تضادها، ریاکاری‌ها و فریب‌ها برای ایجاد تنش‌های مداوم استفاده می‌کند. در دنیای «بازی استریندبرگ»، هرگز هیچ‌کدام از شخصیت‌ها قادر به فرار از گذشته خود نیستند و هر تصمیمی که می‌گیرند، تنها به گسترش بحران و کشمکش می‌انجامد.

دورنمات به‌خوبی از زبان و دیالوگ‌های خاص خود استفاده کرده است تا فضای دلهره‌آور و گنگ روابط شخصیت‌ها را بیشتر به تصویر بکشد. در «بازی استریندبرگ»، هر کلمه و هر دیالوگ، نه فقط به‌عنوان وسیله‌ای برای پیشبرد داستان، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تحلیل شخصیت‌ها و روابطشان عمل می‌کند. تنش‌های نهفته در میان دیالوگ‌ها باعث می‌شود که تماشاگر یا خواننده به‌طور مستمر درگیر این بازی روان‌شناختی باشد که شخصیت‌ها در آن گرفتار شده‌اند.

دورنمات با دقت خاصی به مسئله قدرت و موقعیت اجتماعی در این اثر پرداخته است. او با نشان دادن ضعف‌های انسانی و ناکارآمدی سیستم‌های اجتماعی و سیاسی، نقش‌های مختلفی از قدرت را در جامعه به چالش می‌کشد. شخصیت‌ها در این نمایشنامه با استفاده از قدرت خود سعی می‌کنند بر دیگری تسلط یابند و هرکدام تلاش می‌کند تا موقعیت خود را در این بازی پیچیده حفظ کند. اما در نهایت، هیچ‌کدام نمی‌توانند از گذشته خود فرار کنند و همین مسئله، آنان را به سمت نابودی بیشتر هدایت می‌کند.

در عین حال، نمایشنامه «بازی استریندبرگ» یک تحلیل جامع و انتقادی از زندگی زناشویی و بحران‌های آن ارائه می‌دهد. دورنمات با چالش‌های عاطفی شخصیت‌ها، تنها به بیان مسائل زناشویی نمی‌پردازد، بلکه از طریق این روابط، به تحلیل مسائل پیچیده‌تر اجتماعی و انسانی نیز می‌پردازد. او با استفاده از کمدی سیاه و اغراق طنز، به‌طور همزمان، عمق تراژدی‌های انسانی را نمایش می‌دهد. طنز در این اثر، به نوعی تلخی است که نه تنها ریشه در درد و رنج دارد، بلکه سعی در تحلیل و نقد شرایط اجتماعی و روانی انسان‌ها نیز دارد.

دورنمات با این بازنویسی و تفسیر، «بازی استریندبرگ» را به یک اثر متفاوت تبدیل کرده است که نه تنها برای مخاطبان علاقه‌مند به تئاتر، بلکه برای تمامی افرادی که به تحلیل روابط انسانی و پیچیدگی‌های روانی انسان‌ها علاقه دارند، جذاب و تأثیرگذار است. در این نمایشنامه، دورنمات به‌خوبی نشان می‌دهد که در دنیای مدرن، روابط انسانی به چه اندازه شکننده و پیچیده شده‌اند و چگونه قدرت، عشق و نفرت در آن‌ها درگیر هستند.

در نهایت، «بازی استریندبرگ» یک تجربه دراماتیک است که از هر زاویه‌ای که به آن نگاه کنید، به نوعی با ساختارهای اجتماعی، انسانی و روان‌شناختی درگیری‌های درونی و بیرونی روبه‌رو می‌شوید. این اثر همچنان که به سبک نوآورانه خود شهرت دارد، توانسته است درک بهتری از تعاملات انسانی در دنیای پیچیده و پرتنش امروز ارائه دهد و جایگاهی ویژه در تاریخ تئاتر پیدا کند.

مادران از عوارض مرگبار و جبران‌ناپذیر سقط‌جنین خبر ندارند

سمیرا سادات میراسماعیلی

سمیرا سادات میراسماعیلی مسئول دبیرخانه کشوری نفس در مصاحبه تلفنی با برنامه «روزنه» رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع پویش نفس و عوارض جسمی و روحی سقط‌جنین گفت: نفس به معنای نجات فرزندان سقط است کار اصلی ما پیشگیری از سقط عمدی و غیرقانونی جنینی است.
وی با بیان اینکه دو درصد از سقط‌ها در کشور خود به خودی است افزود: سه درصد از سقط‌ها با مجوز پزشک است و نود و پنج درصد از سقط‌ها غیرقانونی و عمدی است. این آمار بسیار بالایی است.
میراسماعیلی تصریح کرد: همکاران ما در مرکز نفس با بررسی موارد، علل و عوامل سقط را جویا می‌شوند و راهکارهایی پیشنهاد می‌دهند تا بتوانند در جهت رفع آنها به خانواده‌ها کمک کرده و آنها را از تصمیم به سقط‌جنین منصرف کنند.
مسئول دبیرخانه کشوری نفس در ادامه و در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو با اشاره به اینکه سقط از لحاظ فقهی و شرعی حرام است اظهار کرد: عده‌ای در جامعه تصور می‌کنند جنین پایین‌تر از چهار ماه روح ندارد و این تصور اشتباه است. جنین از همان ابتدا تمام خصوصیات ژنتیکی یک فرد بالغ را دارد. در قرآن سقط‌جنین قتل نفس شمرده شده و دیه برای آن در نظر گرفته شده است.
میراسماعیلی با ذکر این مطلب که ما در طرح نفس سعی می‌کنیم مادران را آگاه کنیم گفت: عوارض سقط‌جنین هم روحی است و هم جسمی. مادران بعد از سقط‌جنین عمدی، افسردگی‌های شدیدی را تجربه می‌کنند کابوس‌های شبانه دارند و از لحاظ روحی واقعاً آسیب‌دیده و نیاز به حمایت دارند.
وی افزود: از لحاظ جسمی نیز سقط‌هایی که غیرقانونی و بدون دستور پزشک و در داخل مراکز غیر مجهز انجام می‌شود خطرات و عوارض شدیدی برای مادر به دنبال دارد. ابزار و وسایل غیرمجاز در سقط‌جنین باعث می‌شود به دیواره رحم مادر آسیب وارد شود و باعث چسبندگی می‌شود حتی ممکن است رحم و یا روده مادر سوراخ شود.
میراسماعیلی گفت: سوراخ‌شدن دیواره رحم باعث ناباروری مادر می‌شود. در برخی موارد به دلیل عدم تخلیه کامل رحم چسبندگی‌های شدید به وجود می‌آید و همه این عوامل باعث ناباروری در مادران می‌شود. گاهی جنین کامل تخلیه نشده و بافت‌هایی در رحم مادر باقی می‌ماند که این بافت‌ها باعث عفونت می‌شود.
وی با اشاره به اینکه اگر دیواره رحم آسیب ببیند عوارض جبران‌ناپذیری برای مادر به وجود می‌آید گفت: در اثر خون‌ریزی‌های شدید بعد از سقط‌جنین غیرقانونی ممکن است مادر به دلیل پایین آمدن شدید هموگلوبین خون جان خود را از دست بدهد. در بسیاری از موارد با سقط‌جنین غیرقانونی رحم مادر آسیب‌دیده و کامل باید تخلیه شود و یا مادر دیگر هیچ‌گاه باردار نمی‌شود.
مسئول دبیرخانه کشوری نفس افزود: مادران هرگز به دنبال سقط‌جنین غیرقانونی نروند. ما با پیگیری‌های دقیق بیش از نود درصد از مادران را از سقط‌جنین منصرف می‌کنیم. ما باید مردم را آگاه کنیم که بدانند سقط‌جنین قبل از هر چیز برای سلامتی مادران مضر است.

پیشخوان Pishkhan.com

توجه به حدود نقاط حیاتی در خصوص نیل به وفاق

سیدآرش وکیلیان

راهبرد توجه به حدود نقاط حیاتی در خصوص نیل به وفاق در حوزه پالایش بر اساس رئال پالیتیک

با فرض اینکه موضوع رفع پالایش یا فیلترینگ سکوهای بزرگ تبدیل به یک معیار درباره دستاورد سیاسی دولت جناب پزشکیان تبدیل شده و صرفنظر از اینکه پالایش چقدر در عرصه عمل و دستیابی به اهداف خود موثر و موفق بوده، چقدر با حقوق اساسی سازگار است و چقدر نارضایتی و هزینه جانبی ناخواسته تحمیل کرده نیل به وفاق در یک موضوع مورد تعارض میان ذی نفعان قوی نیازمند راهبرد توجه به حدود نقاط حیاتی است.
توجه به تجربه برجام نشان می‌دهد که یک توافق ظاهراً برد-برد به علت عدم توجه به برخی موضوعات حیاتی مورد انتظار، چنانکه ریچارد هاس رییس شورای روابط خارجی آمریکا پیش بینی کرده بود، پایدار باقی نماند.
در عرصه بسیار حساس فضای مجازی ما به توافقی نیاز داریم که محدود به ماه عسل دولت جدید نباشد و در روزهای سخت و بحرانی نیز به کار آید.
یعنی موضوعاتی وجود دارد که برای بازیگران قوی و مسلط جنبه حیاتی و ناموسی دارد و حاضر به عدول از آن نیستند یا هر نتیجه که برخلاف آن باشد را عملا برهم می زنند،
در رئال پالتیک این نقاط باید مورد شناسایی و احترام قرار گیرد تا یک توافق پایدار به دست آید.
در خصوص موضوع پالایش اگر مطالبه دولت را محدود به سکوهای پرکاربرد خارجی (اینستاگرام ، تلگرام، واتساپ، یوتیوب و گوگل پلی) بدانیم نه هر سایتی حتی سایت های هرزه نگاری در این صورت می توان نقاط حیاتی سیستم اینها هستند:

۱- عدم شکل گیری امکان سازماندهی اجتماعی سیاسی علیه ارکان نظام و جناح های حاکم
برای این منظور باید این تضمین داده شود که از طریق ترافیک شیپینگ، تعرفه گذاری ترافیک خارجی یا هر روش دیگر، جامعه فعال کاربری سکوهای بزرگ از ۳۰ درصد تجاوز نخواهد کرد.

۲- امکان برخورد قضایی و امنیتی در موضوعات حاد
یعنی سکوها تبدیل به یک عرصه فعالیت‌های مجرمانه یا امنیتی سازمان یافته نمی‌شود و دولت با ابزارهایی نظیر احراز هویت و ... از برخورد شدید قوه قضاییه و فراجا با کاربران مجرم و چهره‌های شاخص سیاسی اجتماعی اقتصادی ضدنظام همکاری می کند. برای مثال در امارات و عربستان این سکوها باز هستند اما شهروندان این کشورها می دانند اگر خطوط قرمز خاصی را نقض کنند، هر گونه برخورد شدید با آنها انجام خواهد شد.

۳- حفظ سکوهای ملی به عنوان یک دستاورد حکومتی
سکوهای برتر که با انواع حمایت‌های حکومتی و غیرحکومتی توانسته‌اند به جایگاه مسلط دست یابند، سرمایه ملی هستند که توان و پایداری کشور در عرصه حکمرانی را افزایش می‌دهند.
دولت باید بتواند نشان دهد که این سکوها همچنان مورد حمایت بوده و بلکه این حمایت‌ها گسترش خواهد یافت تا جلوی انحصار سکوهای خارجی بر بازار کشور گرفته شود. این می‌تواند شامل فعالیت نمادین چهره‌های اصلاح طلب در سکوهای داخلی تا حمایت‌های زیرساختی و تضمین های امنیتی را شامل شود.

۴- تکمیل پروژه شبکه ملی اطلاعات
تا کنون حدود ۶۰ درصد از پروژه شبکه ملی اطلاعات انجام شده که عمدتا در لایه‌هایی بوده که از جهت فناوری و سرمایه گذاری آسانتر بوده است.
اما لایه‌های پیچیده‌تر نظیر سیستم عامل پیشرفت مورد انتظار را نداشته است. دولت باید تعهد دهد با روش‌های مختلف از سرمایه‌گذاری گرفته تا جلب همکاری خارجی می‌تواند بخش‌های ناقص پروژه شبکه ملی اطلاعات را در زمان مشخصی محقق کند.
با توجه به مطالب فوق یکی از راهبردهای کم هزینه برای رفع پالایش استفاده از ظرفیت سکوهای حاکمیت پذیر نظیر پوسته‌هاست که قبلا در شورای‌عالی فضای مجازی مصوب شده و شرکت‌های مشخص فناورانه هم توان اجرای آن را دارند اما به علت اهمال و تاخیر تنظیمگران بخشی در مقررات گذاری از یک سو و نیز کمبود سرمایه گذاری عملا راه اندازی نشده است.

عصر قانون

روزنامه اجتماعی اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | **محمد جواد اهویی**
زیر نظر شورای سردبیری

عکس | **طه آهویی** گرافیست و صفحه‌آرا | **سارا کولیوند**
روابط عمومی | **جهانگیر توسلی** ناظر هنری | **محمدرضا مهدیانی**
تلفن | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸ ـ ۰۹۹۳۱۲۴۶۶۲۴** آگهی‌ها | **۰۲۱۸۶۰۵۲۰۱۸**
نشانی | **بلوار کشاورز ـ خیابان عبدالله زاده ـ کوچه زیبا ـ پلاک ۴۴ ـ واحد ۵**
چاپ | **صمیم ـ ۴۴۵۸۲۸۱۴**

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON

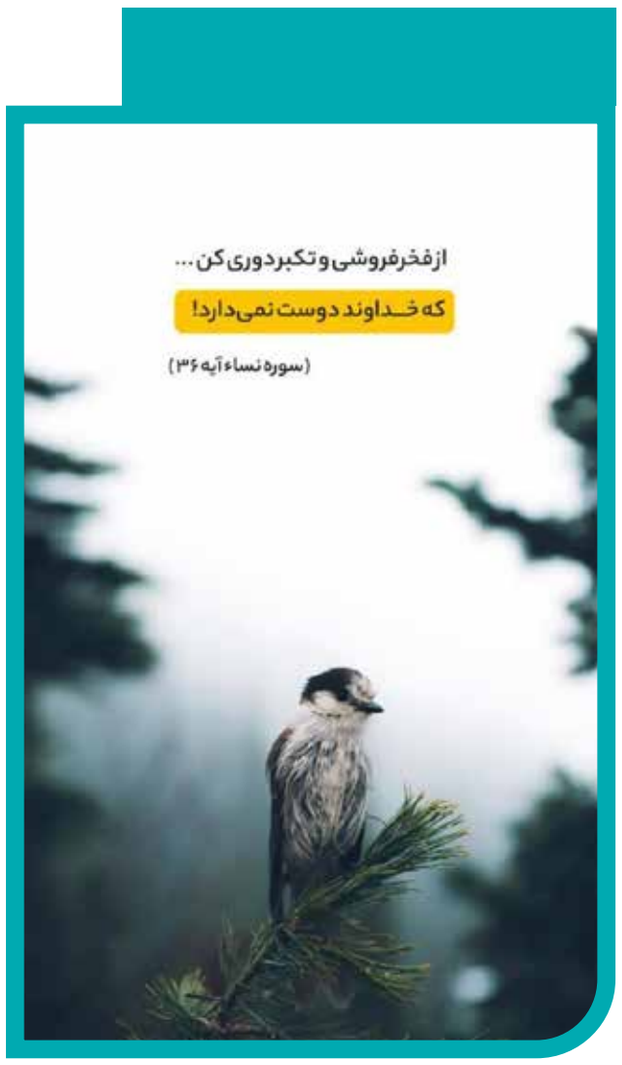

موفقیت فیلم تالی در ارائه تصویر مادر معاصر از طبقه متوسط اجتماعی

منتقد سینما گفت: این فیلم در مورد فرهنگ اروپایی و آمریکایی مانور نمی‌دهد و تصویری از مادر معاصر طبقه متوسط شهری را به نمایش می‌گذارد.

۶

سینما تصویر درستی از شمایل مادر ایرانی ارائه نداده است

مدیر پژوهشکده زن و خانواده گفت: ما در نشان‌دادن چهره درست مادر در سینما ضعف داریم. تصویر مادر خانواده ایرانی را در سینما نمی‌بینیم.

۶

قهرمانی وزنه‌بردار نوجوان ایران در آسیا

ملی‌پوشان جوانان نقره و برنز گرفتند

وزنه‌برداران نوجوان ایران در دسته ۹۶ کیلوگرم قهرمان آسیا شد و دو نماینده ایران در جوانان مدال نقره و برنز مجموع را گرفتند.

حمیدرضا زارعی در رده سنی نوجوانان با رکورد ۱۴۶ یک‌ضرب، ۱۸۸ دوضرب و مجموع ۳۳۴ کیلوگرم قهرمان آسیا شد. او در یک‌ضرب مدال نقره و در دوضرب و مجموع دو مدال طلا گرفت.

امیرحسین سپه آجرلو در رده سنی جوانان با رکورد ۱۶۲ یک‌ضرب، ۱۸۷ دوضرب و مجموع ۳۴۹ کیلوگرم نایب قهرمان آسیا شد. او در یک‌ضرب مدال طلا، در دوضرب مدال نقره و در مجموع هم مدال نقره گرفت.

محمد اسفندیاری دیگر نماینده ایران در رده سنی جوانان با رکورد ۱۵۲ یک‌ضرب، ۱۸۲ دوضرب و مجموع ۳۳۴ کیلوگرم نفر سوم آسیا شد. او در یک‌ضرب، دوضرب و مجموع سه مدال برنز گرفت.

پایتخت ورزشگاه نمی‌خواهد

فریدون حسن

مدیرکل ورزش استان تهران رسماً اعلام کرد ساخت مجموعه ورزشی جدید برای پایتخت از دستور کار خارج شده است. علی جوادی گفت: «هرچند شرکت توسعه باید پاسخگو باشد، اما شنیده‌ایم که فعلاً این موضوع، یعنی ساخت ورزشگاه جدید از دستور کار خارج شده است.»

اینکه تهران به عنوان پایتخت ایران نیاز به احداث یک ورزشگاه بزرگ با گنجایش زیاد دارد یا نه، موضوعی بود که از همان ابتدای شکل‌گیری طرح ساخت ورزشگاه مورد توجه قرار گرفت. بسیاری از کارشناسان بر این باور بودند که گسترش رسانه‌های مجازی و پوشش مناسب تلویزیونی مسابقات فوتبال کار را به جایی رسانده که دیگر نمی‌توان توقع داشت جمعیت زیادی برای تماشای یک مسابقه فوتبال راهی ورزشگاه شوند. بنابراین باید رو به تجهیز ورزشگاه‌های موجود با آخرین امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آورد و در نهایت هم ورزشگاه‌هایی را احداث کرد که با ظرفیت بین ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر جوابگوی درخواست هواداران فوتبال باشند، درست مانند آنچه در فوتبال حرفه‌ای دنیا دیده می‌شود. بازسازی و مرمت ورزشگاه‌های موجود در تهران یکی از راه‌های اساسی حل این مشکل بود که با بازسازی ورزشگاه بزرگ آزادی کلید آن زده شد. البته پایتخت مجموعه‌های ورزشی دیگری هم دارد، مانند ورزشگاه شهید شیرودی، ورزشگاه تختی و ورزشگاه شهید کشوری که در مقیاس‌های کوچک‌تر از آزادی به شرط بازسازی و تجهیز درست می‌توانند مشکلات ورزش پایتخت را حل کنند.

جالب است که همزمان با اظهارنظر مدیرکل ورزش استان تهران در خصوص عدم احداث مجموعه ورزشی جدید، مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور هم از لزوم جلوگیری از توسعه بی‌حد و حصر تهران صحبت می‌کند و اینکه باید

جلوی رشد بی‌فایده ابعاد پایتخت گرفته شود. همین دو نگاه ثابت می‌کند باید برای توسعه ورزش در پایتخت راه‌حل دیگری را جست‌وجو کرد و به سمت احداث و تجهیز ورزشگاه‌هایی رفت که علاوه بر داشتن امکانات به‌روز و تجهیزات کارآمد فضای زیادی را هم اشغال نکنند. مدیرکل ورزش و جوانان استان تهران گفت: «یکی از مشکلات اصلی تهران کم بودن سرانه ورزشی پایتخت است. در اینجا تمرکز بالای جمعیت وجود دارد و کم بودن زمین از دلایل اصلی کم بودن سرانه ورزشی است. ما آماده‌ایم اگر زمینی با ابعاد مورد نیاز برای فوتبال ارائه شود برایش طرح زمین فوتبال ایجاد و از در اختیار قرار دادن آن به تیم‌های فوتبال استفاده کنیم.» البته این اظهارنظر برخلاف چیزی که رئیس‌جمهور می‌گوید، باعث گسترش بی‌رویه تهران خواهد شد. همانطور که گفته شد می‌توان از امکانات موجود نهایت استفاده را برد و ورزشگاه‌های موجود را تجهیز کرد تا به جای گسترش بیهوده پایتخت شاهد آن باشیم که تهران با ورزشگاه‌های کوچک و البته مجهز و پرامکانات ورزشی توسعه‌یافته و فوتبالی به‌روز را به خود ببینند.

جانشین حسن یزدانی مشخص شد

با اعلام کادرفنی، کامران قاسمپور سال جدید در ۸۶ کیلوگرم کشتی خواهد گرفت.

در این میان حضور قاسمپور در ۸۶ یا ۹۲ کیلوگرم محل بحث بود. با توجه به اینکه حسن یزدانی در سال ۲۰۲۵ در چرخه انتخابی و مسابقات جهانی غایب خواهد بود و برای سال بعد از آن هم اعلام کرده نمی‌خواهد در ۸۶ کیلوگرم کشتی بگیرد، کامران قاسمپور با توصیه کادرفنی تصمیم گرفته بعد از چند سال به این وزن بازگردد.

فوتبال ایران محله بروبیای خارجی‌های بی‌کیفیت

شیوا نوروزی

رفت و آمد خارجی‌ها در فوتبال ایران نه تنها سودی به حال این رشته نداشته، بلکه خسارت‌های هنگفتی هم به بیت‌المال زده و می‌زند.

استفاده از مربیان و فوتبالیست‌های باکیفیت و درجه یک قطعاً در افزایش سطح کیفی مسابقات لیگ تأثیرگذار خواهد بود، اما معضل اصلی ما این است که اصلاً خبری از آمدن خارجی‌های باکیفیت نیست و سالانه چندین میلیون دلار خرج همین خارجی‌های بی‌کیفیت و ناموفق می‌کنیم!

خوان کارلوس گاریدو شاید جدیدترین خارجی اخراجی لیگ‌برتر باشد، ولی قطعاً آخرین آنها نخواهد بود. از همان ابتدا که پرسپولیس مرد آرژانتینی را برای نشستن روی نیمکت انتخاب کرد کارنامه‌اش مشخص بود و همه می‌دانستند گاریدو در چند سال اخیر در هر تیمی سرمربیگری کرده خیلی زود و بدون دستاورد حکم برکناریش صادر شده است. منتها چنین واقعیت‌های عیان و در دسترسی هم باعث نمی‌شود مدیران وطنی دست از انتخاب‌های زیان‌ده خود بردارند. گاریدو همانند چند تیم قبلی‌اش در پرسپولیس نیز عملکرد ضعیفش را به همه نشان داد تا جایی که هواداران این تیم یکصدا خواهان برکناریش شدند. طبق معمول اخراج سرمربی تنها راه‌حل آقایان است در صورتی که مقصر اصلی خودشان هستند.

همین رفت و آمدهاست که میلیاردها تومان به فوتبال و البته به کشور ضرر می‌زند. در این اوضاع اقتصادی به جای آنکه مدیران پرمدعای فوتبالی حواس‌شان را بیشتر جمع کنند، مثل همیشه آزادانه و با خیال راحت ریخت‌وپاش می‌کنند و اصلاً هم نگران خسارت‌های احتمالی نیستند، چراکه تجربه نشان داده قرار نیست به کسی یا جایی جواب پس بدهند، در غیر صورت تاکنون تعداد زیادی از مدیران فوتبالی بابت تصمیمات مخرب و زیانبارشان باید محاکمه می‌شدند، ولی با همان ژست‌های پیروزمندانه سرکارشان هستند یا حتی سمت‌ها و مسئولیت‌های بالاتری را هم گرفته‌اند. با یک نگاه اجمالی و سرسری می‌توان فهمید لیگ‌برتر فوتبال ایران پر از خارجی‌های درجه چندمی است که معلوم نیست چطور سر از کشورمان درآورده و چطور با این ارقام قرارداد بسته‌اند. قبل از گاریدو، موریس پرتغالی از سپاهان اخراج شد و رفت. او نیز نتوانست انتظارات را برآورده کند و مدیران سپاهان عذرش را خواستند. در سوی دیگر استقلال بعد از جاروجنجال فراوان موسیمانه را به تهران آورد تا او اولین مربی آفریقای فوتبال کشورمان لقب گیرد. نکته حائز اهمیت اینکه سرمربی خارجی نیز نتوانسته دوای درد آبی‌ها باشد و استقلال همچنان نهم جدول رده‌بندی ایستاده است.

البته این قضیه شامل حال بازیکنان نیز می‌شود و حتی در این حوزه اوضاع بدتر هم هست. هر تیم لیگ‌برتری با توجه به بودجه خود اقدام به خرید بازیکنانی می‌کند که حتی در کشورشان هم مطرح نیستند. در این میان سرخابی‌های پایتخت معمولاً پیش‌رو هستند. به‌عنوان مثال پرسپولیس امسال مهاجمی به خدمت گرفته به نام لوکاس ژوائو که این بازیکن آفریقایی تازه ماه پیش موتور گلزنی‌اش روشن شد و یک گل برای قرمزها، آن‌هم در جام حذفی به ثمر رساند! در کل در لیگ‌برتر تعداد زیادی از بازیکنان خارجی حضور دارند که عملاً بود و نبودشان فرقی نمی‌کند. این وسط فقط پای قراردادهای چندصدهزار دلاری در میان است و هر کدام از آنها در صورت شکایت به فیفا پتانسیل دریافت غرامت‌های بسیار سنگین را دارند. لیگ‌برتر ایران اگرچه کیفیت پایینی دارد، اما پر از حواشی زیاد است که فایده‌ای به حال فوتبالمان ندارد، ولی در عوض

برای خیلی‌ها نان و آب دارد. یک مقام مسئول یا نهاد نظارتی هم پیدا نمی‌شود که از مدیران و تصمیم‌گیرندگان بپرسد این همه خارجی بی‌کیفیت چطور سر از فوتبال ما درمی‌آورند، در صورتی که بررسی کارنامه آنها و عملکرد گذشته‌شان در عصر ارتباطات اصلاً سخت نیست.

پیشخوان
Pishkhan.com